

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه ای که پیش روی شما است تحلیل برخی رویداد های مهم است که محور های آن در نشست های هم اندیشی سیاسی با حضور نخبگان و صاحب نظران این عرصه تعیین و توسط کارشناسان مسائل روز تدوین و نگارش می گردد.

تلاش نویسندگان و تحلیل گران بر این است که مطالب ارائه شده نزدیک ترین تحلیل به دیدگاه های مقام معظم رهبری مدظله العالی باشد و مورد توجه و استفاده سخنرانان برای طرح در منابر قرار گیرد.

خوشحال خواهیم شد نظرات و پیشنهادات اصلاحی را برای تکمیل این مجموعه ارسال نمائید.

معاونت فرهنگی هیأت رزمندگان اسلام

تلفن : ۸۸۹۶۰۴۳۰

منابر : ۸۹۷۸۰۳۱۳

پست الکترونیک : info@eheyat.com

شماره پیامک : ۶۶۰۰۰۹۹۷۵۵

۵. بررسی قانون «مقابله با فعالیت های بی ثبات کننده ایران» / مهدی محمدی

مقدمه ۶

اهداف قانون مقابله با فعالیت های بی ثبات کننده ایران ۶

ابعاد مهم متن قانون ۷

برجام و قانون تحریم جدید ۸

نتایج تصویب این قانون ۸

۱۱. سند ۲۰۳۰ یا طراحی برای سلطه در عصر استعمار فرانونین / رسول سنایی راد.....

مقدمه ۱۲

محتوا و اهداف ۱۲

چارچوب عملی به ظاهر ملی اما دامی برای وابستگی و پذیرش سلطه ۱۴

سندی با تعارضات چندگانه ۱۶

راهکار ها ۱۸

آسیب شناسی و باز تولید سرمایه اجتماعی جریان انقلابی کشور / دکتر عبدالله گنجی

..... ۱۹

چکیده ۲۰

مقدمه ۲۱

وضعیت کنونی سرمایه اجتماعی نیروهای انقلاب اسلامی ۲۲

سه سطح موانع تولید سرمایه اجتماعی ۲۴

عوامل کاهنده سرمایه اجتماعی نیروهای انقلاب اسلامی ۲۵

تولید سرمایه اجتماعی چگونه؟ ۳۰

رهبری های راهبردی برای پیش برد اهداف نظام/عباس حاجی نجاری ۳۲

چکیده ۳۴

راهبرد های کلان ۳۶

محور های کلیدی در سه سخنرانی مهم امام خامنه ای ۳۶

تبیین اصول و شاخصه های مکتب امام(ره) ۳۶

عوامل پایداری و حفظ و پیشبرد انقلاب ۳۷

چالشهای پیش روی نظام ۳۹

راهکار های آینده برای تحقق راهبردها ۴۱

الزامات تحقق راهکارها ۴۳

پرسش و پاسخ های کلیدی/دکتر رضا داوری ۴۷

اهداف و پیامها در دیدار فرماندهان سپاه با رئیس جمهور ۴۸

بسترها و اهداف جنجال آفرینی پیرامون بازداشت مداحان چیست؟ ۴۹

سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال سرمایه گذاری شرکت های خارجی چیست؟ ۵۱

موج جدید انتفاضه قدس، پیام ها و دستاوردها ۵۲

پیامدهای همه پرسی جدایی کردستان از عراق چیست؟ ۵۵

تحلیل و تدوین

بررسی قانون
«مقابله با فعالیت‌های
بی‌ثبات‌کننده ایران»

مرداد ۱۳۹۶

مهدی محمدی

هدف گزارش حاضر بررسی اهداف، ماهیت، محتوا، ابعاد، آثار و نتایج قانون تحریم جدید موسوم به اچ آر ۳۳۶۴ است. هرچند در مقطعی، روند قانونی این طرح تحریمی به دلیل احتمال تأثیرگذاری منفی بر شانس کاندیدای غربگرای انتخابات ریاست جمهوری ایران به تعویق افتاد اما اکنون با رفع دغدغه غرب نسبت به این مساله، قانون در امریکا نهایی شده است.

در حال حاضر کنگره ایالات متحده بخشی از استراتژی و سیاست حکومت این کشور در قبال جمهوری اسلامی را تعقیب می نماید این در حالی است که مسئله ایران در اولویت سیاست گذاری ترامپ نیست.

اهداف قانون

اهداف قانون (مقابله با فعالیتهای بی ثبات کننده ایران) در سه بعد اقتصادی، نظامی و سیاسی قابل بررسی است:

الف - بعد اقتصادی

یکی از اهداف مهم طرح این قانون جلوگیری از منافع برجام و به حداقل رساندن آثار آن برای جمهوری اسلامی است. مکانیسم این امر بدین ترتیب است که هدف اولیه این قانون تحریم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و کلیه نهادهای، سازمانها، اشخاص داخلی و خارجی کمک کننده به آن هستند، در این راستا با توجه به آنکه به زعم آمریکا سپاه در تمامی شئون کشور وارد شده، عملاً کل کشور را در مکانیسم تحریم وارد می کنند. تفسیرپذیری قانون مذکور بسیار موسع بوده و شمول گسترده آن تهدید جدی محسوب می شود. تصویب این قانون مسلماً نقض ماده ۲۶ برجام محسوب می شود که طبق آن طرف مقابل تعهد نموده مانع از کسب مزایای برجام توسط ایران نخواهد شد. با تصویب این قانون نهادهایی که باید طبق برجام از شمول تحریم خارج می شدند، عملاً مجدداً در فهرست تحریم قرار می گیرند.

ب- بعد نظامی

آمریکا عملاً از ۲۰۱۴ به بعد اتهامی به ایران در جهت تقابل مستقیم نظامی به ایران وارد نکرده و تهدید مستقیم ایران برای نیروهای آمریکایی به حداقل رسیده است. به‌زعم طراحان این قانون ایران باید مجدداً تبدیل به موضوعی جدی برای تقابل نظامی آمریکا گردد. قانون پیشنهادی بستر لازم جهت تقابل نظامی با ایران را در نقطه‌ای که مواجهه مستقیم نیروهای طرفین وجود دارد ایجاد خواهد کرد. به عبارت دیگر این قانون استعداد جنگ ناخواسته را افزایش داده و عقبه قانونی لازم را مهیا می‌سازد.

ج- بعد سیاسی

طراحان این قانون تلاش می‌کنند ایران را تبدیل به اولویت سیاست‌گذاری ترامپ نموده و با قرار دادن ایران در موضع واکنش، باعث تحریک ترامپ به اقدام متقابل شوند. اولویت‌دار سازی ایران برای ترامپ از اهداف سیاسی این قانون است.

ابعاد مهم متن قانون

۱. یکی از نکات مهم این قانون، تعریف اشخاص ایرانی به نحوی است که صرفاً اتباع ایران را شامل نشده بلکه کلیه افرادی را که به نحوی تحت شمول قوانین یا صلاحیت قوانین ایران قرار می‌گیرند را در بر می‌گیرد. این نحوه تعریف بار حقوقی گسترده‌ای ایجاد خواهد کرد.
۲. در بخش سوم این قانون آمده است ظرف حداکثر ۱۸۰ روز از زمان تصویب این قانون و نیز هر دو سال یکبار، وزارت خارجه، وزارت دفاع، وزارت خزانه‌داری و رئیس دستگاه‌های اطلاعاتی ملزم به تهیه استراتژی مقابله و بازدارندگی ایران در حوزه فعالیت‌های متعارف و نامتعارف ایران می‌باشند.
۳. در بخشی از این قانون به ضرورت ارزیابی آمریکا از توان استفاده ایران از تبلیغات و عملیات‌های اطلاعاتی (information operations) اشاره شده است.
۴. دلیل وضع تحریم‌های جدید فعالیت‌های موشک بالستیک ایران است.
۵. بر اساس این قانون افراد زیر تحت شمول تحریم قرار می‌گیرند:

- الف - هر فردی که به برنامه موشکی یا سلاح‌های کشتار جمعی ایران کمک نماید یا احتمال و خطر کمک وی به این برنامه وجود داشته باشد.
- ب - جانشین هر فردی که بر اساس بند قبلی در فهرست تحریم قرار گرفته است.
- ج - تمامی نهادها و سازمان‌های تحت نظارت افراد تحریم شده.
- د - نمایندگان و کارگزاران افراد و نهادهای تحریم شده
- ه - کلیه نهادها و سازمان‌هایی که به نهادها و افراد تحریم شده کمک نمایند.
۶. اقدامات تحریمی بر اساس قانون شامل موارد زیر است:
- الف - بلوکه کردن دارایی‌ها
- ب - اخراج از ایالات متحده و عدم اجازه ورود
- ج - هر فردی که ناقض قانون باشد و یا برای نقض آن تلاش کند، یا برای نقض برنامه‌ریزی و توطئه نماید نیز مشمول مجازات می‌گردد.
۷. علاوه بر نیروی قدس سپاه از این پس بر اساس این قانون، کل سپاه نیز تحت شمول دستور اجرایی ۱۳۲۲۴ قرار می‌گیرد.
۸. تحریم‌ها علاوه بر سلاح‌ها شامل قطعات یدکی آن‌ها نیز می‌شود.
۹. کلیه کمک‌های مالی، آموزشی، خدماتی، مشاوره نیز شامل تحریم می‌گردد.
۱۰. کلیه تحریم‌های گذشته مرتبط نیز همچنان به قوت خود باقی می‌ماند.

برجام و قانون تحریم جدید

با توجه به آنکه ایران پایبند به اجرای برجام است اتفاق جدیدی در این حوزه نخواهد افتاد و آمریکا و متحدان از ظرفیت‌های برجام برای فشار و نظارت بیشتر بر ایران استفاده خواهند کرد و تلاش می‌کنند منافع احتمالی برجام برای ایران را به حداقل برسانند.

نتایج تصویب قانون

۱. تصویب این قانون بیانگر آن ست که تعامل با ایران به هیچ‌وجه در دستور کار واشینگتن نیست و بسیاری از نمایندگان حزب دموکرات که به برجام رأی دادند نیز به دنبال تصویب

این قانون هستند. این تصور که با دادن امتیاز بیشتر به آمریکا می‌توان به سمت تعامل و همکاری با آمریکا گام برداشت عملاً برداشتی نادرست بوده و اجماعی دوحزبی علیه ایران در آمریکا وجود دارد. چراکه اساساً بر اساس این قانون هیچ مبنای همکاری و تعامل با ایران باقی نمی‌ماند. بر اساس این قانون روابط ایران و آمریکا به سطح جدیدی می‌رسد که نتیجه آن تعامل نیست.

۲. از سوی دیگر شبکه‌سازی علیه ایران در منطقه در دستور کار جدی آمریکا در دوره جدید قرار دارد.

۳. فشار بر متحدان ایران جهت کاهش و ممانعت از همکاری آن‌ها با ایران و افزایش هزینه همکاری در دستور کار جدی آمریکا قرار دارد.

۴. هدف این قانون کل مجموعه نظام است و تلاش می‌کند مسئله سپاه همانند مسئله انرژی هسته‌ای تبدیل به موضوع مناظره و مباحثه گروه‌های داخلی سیاسی کشور و مردم شده و درنهایت کشور را بین حفظ سیاست‌های منطقه‌ای خود و تحریم‌های بیشتر مجبور به انتخاب نمایند.

۵. هدف اولیه حذف سپاه از اقتصاد داخلی است.

۶. هدف توقف اقدامات منطقه‌ای جمهوری اسلامی و مهار اقدامات سپاه است. آمریکا به این سیاست به‌عنوان مکمل استراتژی منطقه‌ای خود می‌نگرد.

۷. ورود و همکاری با اروپا در این روند اهمیت فوق‌العاده دارد.

۸. تحریم‌های صورت گرفته محتاطانه، هوشمندانه و فلج‌کننده بوده و بخشی از حاکمیت را نشانه گرفته است.

۹. درنهایت آمریکا به دنبال اقدام ایران و سنجش رفتار ایران در قبال این قانون است.

تحلیل و تدوین

سند ۲۰۳۰ یا طراحی
برای سلطه در عصر
استعمار فرانوی

مرداد ۱۳۹۶

رسول سنایی راد

طرح موضوع سند ۲۰۳۰ از سوی امام خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی همراه با اصرار و نگرانی از سوی معظم له، گرچه به توقف و نه لغو آن در بخش آموزشی کشور منتهی شد، بخشی از «راهبردهای توسعه پایدار» به حساب می آید که از سال ۲۰۱۵ توسط سازمان ملل برای کمک به توسعه کشورها دنبال می شود. این راهبردها در ۱۷ بند تنظیم که بند چهارم آن مربوط به حوزه آموزش می باشد.

از آنجاکه این بند از راهبردهای توسعه پایدار با موافقت مسئولان کشور در نشست یونسکو به اجرا گذاشته شد و ارائه گزارش پیشرفت سالانه نیز مورد توافق قرار گرفته بود، موجب بروز چالش هایی در فضای سیاسی کشور و نفی آثار منفی و الزام آور بودن آن از سوی رئیس جمهور محترم و برخی دیگر از حامیان سیاسی دولت شد که منتقدان آن را به سیاسی کاری متهم می ساختند.

بنابراین، بررسی ویژگی، ابعاد و آثار این بند برای نیروهای فکری، تبلیغی و رسانه ای کشور یک ضرورت به حساب می آید که در فهم واقعیت های مربوط به آن و اتخاذ موضعی منطقی نسبت به آن موثر است.

الف- محتوا و اهداف:

در سال ۲۰۰۰ و شروع هزاره سوم، برنامه ۱۵ ساله ای برای تسریع توسعه در کشورها در ابعاد مختلفی چون، فقرزدایی، ارتقاء سلامت، آموزش برای همگان و... توسط سازمان ملل و نهادهای بین المللی با عنوان «MDG» یا راهبردهای توسعه هزاره سوم در ۸ بند شکل گرفت. در سال ۲۰۱۵ و با گذشت ۱۵ سال مرحله دوم این برنامه برای ۱۵ سال دیگر یعنی تا سال ۲۰۳۰ تحت عنوان «SDG» یا راهبردهای توسعه پایدار به ۹ موضوع دیگر گسترش و در قالب ۱۷ بند تنظیم شد که عبارتند از: ۱- حذف فقر ۲- حذف گرسنگی ۳- سلامت و رفاه مطلوب ۴- کیفیت آموزش ۵- برابری جنسیتی ۶- آب سالم و بهداشت

۷- انرژی پاک و مقرون به صرف ۸- کار شایسته و رشد اقتصادی ۹- صنعت نوآوری و زیر ساخت ۱۰- کاهش نابرابری ۱۱- شهرها و جوامع پایدار ۱۲- الگوی مصرف پایدار ۱۳- اقدام درباره ی آب و هوا ۱۴- زندگی زیر آب ۱۵- زندگی روی آب ۱۶- صلح، عدالت و نهادهای قدرتمند ۱۷- همکاری ها جهت دستیابی به اهداف

گرچه بندهای دیگری از این سند مثل درباره ی آب و هوا توسط سازمان حفاظت از محیط زیست، صلح، عدالت و نهادهای قدرتمند توسط وزارت امور خارجه مورد پذیرش قرار گرفته و پیگیری می شود اما آنچه حساسیت رهبری را برانگیخته، بند یا هدف چهارم این دستور کار با عنوان «به سوی آموزش و یادگیری مادام العمر با کیفیت، برابر و فراگیر» است که باتوجه به ماهیت فرهنگی و زمینه سازی برای تحقق سایر اهداف، چنین نگرانی و حساسیتی را تولید کرده است چرا که فرهنگ و آموزش پیش شرط و زمینه جذب یا دفع و هدایت هرگونه سیاست و اقدام در سیر توسعه به حساب می آید.

در واقع در صورتی که این بند یا هدف به خوبی به اجرا در آید زمینه تفاهم میان فرهنگی و پذیرش سایر اهداف نیز فراهم خواهد شد. لذا پس از آنکه رهبران کشورهای عضو سازمان ملل متحد در سپتامبر ۲۰۱۵ در اجلاس عالی رتبه این سازمان متعهد شدند تا اهداف دستورکار جهانی توسعه پایدار را که نتیجه یک فرایند گسترده مشورتی سطح جهانی در سیاستگذاری های کلان ملی خود از اول ژانویه ۲۰۱۶ در نظر قرار دهند، در نشستی که در خرداد ماه سال گذشته با حضور دبیران کل کمیسیون های ملی بیش از یکصد و سی کشور و معاونان ذی ربط سازمان یونسکو در شهر شانکهای چین برگزار شد، بند چهارم به اتفاق آراء به عنوان اولین اولویت دستورکار جهانی ۲۰۳۰ شناخته و تاکید گردید که آموزش تنها به هدف چهارم محدود نمی شود، بلکه لازم است به عنوان اساس موفقیت سایر اهداف توسعه پایدار مورد توجه قرار گیرد.

گرچه به ظاهر رویکردها، دیدگاه ها، الگوها و ابزار خاص کشورها برای تحقق این هدف به ظاهر مورد احترام قرار گرفته اما در بخش دیگری تاکید دارد از آنجا که یونسکو به عنوان یک نهاد بین المللی موفق در امر آموزش شناخته شده و هدف چهارم توسعه پایدار بر عهده آن قرار گرفته، با ایفای سه نقش هدایت و هماهنگی، نظارت و گزارش دهی و ارتقای

ظرفیت کارشناسی دولت ها، اجرای این هدف مهم را پس از تصویب نهایی چارچوب عمل جهانی آموزش ۲۰۳۰ در سی و هشتمین کنفرانس عمومی یونسکو در نوامبر ۲۰۱۵ آغاز کرده است.

جالب اینکه جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از کشورهای پیشگام در منطقه آسیا در اقیانوسیه در اجرای این سند شناخته شده است.

به موازات تهیه چارچوب عملی ملی آموزش ۲۰۳۰ توسط کمیسیون ملی یونسکو، طرح تشکیل کارگروه ملی اجرای آموزش ۲۰۳۰ در سه جلسه متوالی کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری دولت به ریاست وزیر محترم علوم تحقیقات و فناوری با حضور برخی از اعضای محترم دولت از جمله وزیران آموزش و پرورش، صنعت و معدن، معاون محترم علمی و فناوری ریاست جمهوری، معاون آموزشی و پرورشی و فرهنگی سازمان برنامه بودجه، ریاست محترم سازمان انرژی اتمی ایران، ریاست محترم سازمان حفاظت محیط زیست و برخی از معاونان ذی ربط وزارتخانه ها و دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نهایتا به تصویب هیات دولت رسید.

ب- چارچوب عملی به ظاهر ملی اما دایمی برای وابستگی و پذیرش سلطه

نظام استعمار و استکبار جهانی برای اعمال سلطه بر سایر کشور تا کنون چند مرحله از استعمار را بر کشورهای تحت سلطه یا استعمار خود تحمیل کرده اند که عبارتند از:

۱- استعمار نظامی یا ترجیح که با اشغال کشور تحت سلطه و استفاده از زور یا قدرت نظامی صورت می گرفت. این شیوه استعمار پر هزینه بوده و واکنش سخت مردم کشورهای تحت سلطه را بر می انگیزد و شورش ها و اعتراضات خشن علیه سلطه گران را رقم می زد.

۲- استعمار نو که با گماشتن عناصر وابسته یا روشنفکران خودباخته به استعمارگر و بهره گیری کمپانی های اقتصادی از منابع کشور تحت استعمار دنبال می شد و شکل نیمه سخت داشت. با فشار و فقر ناشی از این استعمار قیام توده ای علیه استعمارگر متحمل و سرکوب ها مستلزم پذیرش هزینه های سنگین بود.

۳- استعمار فرا نو که بجای گماشتن عناصر وابسته، با اقدامات آموزشی و فرهنگی به شکل دهی و جهت دهی به ترجیحات می پردازد و از ابتدای هزاره سوم وارد مرحله پیچیده ای شده است و با استفاده از قدرت نرم و جنگ نرم، نظام ارزشی خود را به کشورهای تحت سلطه می قبولاند. در واقع بجای حکمرانی عمومی و از بالا به پائین که با مقاومت مردم در عصر آگاهی منجر می شود، نظام ارزشی و ترجیحات اجتماعی کشور هدف را به نفع خود جهت داده و التزام به قوانین و رویه ها و تصمیمات مد نظر را جایگزین اجبار و الزام می سازد.

لذا انواع کنوانسیون ها، ترتیبات و توافقات جهانی جای خود را به قطعنامه های الزام آور و تهدیدات ظاهری می دهد و منافع مشترک و حتی منافع ملی توجیه برای این نوع التزام ها می شود.

مقدمه این نوع استعمار نیز پذیرش نوعی هویت فراگیر و جهانی (غربی) از سوی کشور هدف است که در این صورت حتی مفهوم منافع ملی نیز استحاله یافته و در همراهی با منظمه ی جهانی تعریف می شود.

با این نگاه است که امام خامنه ای در جمع مسئولان و کارگزاران نظام تصریح می فرماید که: «بعد از انقلاب، منافع ملی تغییر پیدا کرد، یعنی معیارها برای منافع ملی طبعاً تغییر پیدا کرد. بعد از آنکه انقلاب شد، همین طور که عرض کردیم دیکتاتوری ها به مردم سالاری تبدیل شد وابستگی به استقلال سیاسی تبدیل شد. عقب ماندگی به پیشرفت قابل توجه تبدیل شد. معظم له با اشاره به اینکه «منافع در رابطه با هویت ملی معنا می شود ترجمه می شود»، معتقدند، هر آن چیزی که با این هویت در تعارض باشد، منافع ملی نیست و اگر ما تصور کنیم که این یک سودی است برای ملت یا منفعتی است برای ملت، نه. هر چیز با اسلام با گذشته و سابقه تاریخی و دیرینه ما معارضه داشته باشد جزو منافع ملی به حساب نمی آید.

با این نگاه سند ۲۰۳۰ مقدمه پذیرش سلطه در عصر استعمار فراتر نوین به حساب می آید.

ج- سندی با تعارضات چندگانه

بر خلاف اینکه موافقان سند ۲۰۳۰ تلاش دارند، مخالفان و منتقدان آن را با چماق سیاسی کاری منکوب نمایند تعارضات چندگانه سند آن را مغایر منافع ملی معرفی می کند. تعارضاتی چون:

۱- **تعارضات حقوقی:** گرچه متاسفانه تاکنون یک کارگروه حقوقی تشکیل نشده تا تعارضات حقوقی این سند را دقیقاً بررسی و گزارش دهد اما مروری بر مفاد سند گویای مغایرت آن با اسناد بالادستی مثل سند چشم انداز، سیاست های ابلاغی رهبر معظم انقلاب در مولفه های مختلف و اصولی از قانون اساسی مثل اصل ۱۰، ۱۳، ۱۷۵ و... است.

البته چنانچه مجامع و مراجعی مثل مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه و سایر ارکان نظارتی بر شان نظارتی خود پای بند بودند شاید این اتفاق ناگوار نمی افتاد.

۲- **تعارض با صیانت کشور از نفوذ و جاسوسی:** سند ۲۰۳۰ نفوذ را در کشور ساختارمند قانونی می کند. این سند ما را موظف به ارائه گزارش نسبت به موارد مورد توافق در قالب چک لیست های از قبل معلوم می کند که به معنای انتقال اطلاعات راهبرد کشور به صورت مجانی و داوطلبانه به محافلی است که تردیدی در نفوذ سرویس های قدرت های بزرگ و دشمنان و رقبای ما در آن ها وجود ندارد.

۳- **تعارض تعاریف و مفاهیم سند ۲۰۳۰ با تعاریف دینی و عرفی** ما که در واقع تسلیم شدن به تعاریف سکولاری است که نظام استکبار و جهان لیبرال - سرمایه داری سعی در تحمیل آن به تمام دنیا دارد. مفاهیمی مثل رفع تبعیض، منع تبعیض، سن آموزش، سن ازدواج، مسائل جنسی، عدالت جنسی و... در جامعه دینی و ملی ما با جوامع لائیک و سکولار تفاوت ماهوی دارد و متاسفانه در این سند با غفلت مسئولان رفرنس تعاریف مطابق نرم های بین المللی (غربی) پذیرفته شده است و به تفاوت هویتی آن ها توجه نشده است.

۴- **تعارض در اهداف** که در این سند هدف اصلی توسعه پایدار با شاخص های غربی آن است. در توسعه پایدار افزایش درآمد و رشد اقتصادی یک هدف راهبردی است و راه کسب

آن را ولو با سیاست مالی آلوده به ربا مجاز می شمارد. اما در شریعت هم می توان چنین هدف و شیوه ای را قبول کرد و آیا رشد به قیمت ضبح عدالت مورد قبول است؟

۵- تعارض با مدل پیشرفت ایرانی- اسلامی که سعی داشته یک مدل موجی برای پیشرفت را ابداع و ارائه نماید و این سند نوعی کپی برداری از مدل های رایج در غرب، بدون توجه به لوازم و زمینه های هویتی آن در ایران است. بنابراین بر خلاف دولتمردانی که مدعی اند آن را با تحفظ پذیرفته و می توانند موارد مغایر با نظام ارزشی و هویتی دینی و ملی را اصلاح کرده و یا حذف نمایند، روح کلی این سند، نوعی اجبار را البته نرم و به نفع تحمیل سلطه بر کشور دنبال می کند.

آیت الله مکارم شیرازی پس از بررسی متن سند اعلام فرمودند:

در اولین ماده این سند آمده است که ما رؤسای دولت ها و کشورها و نمایندگان عالی رتبه گرد هم آمده ایم، واژه گرد هم آمده ایم یعنی توافق کردیم، نشان دهنده ی الزامی بودن و داشتن قالب عهدنامه است.

در ماده دیگر می گوید: ما به نیابت از مردمی که به آنان خدمت می کنیم، تصمیمی تاریخی اتخاذ کرده ایم که این تعبیر نشانه ی قیومیت آنان به دیگران است.

این عده جمع شده برای ۱۵ سال دیگر مردم دنیا تصمیم گرفته تا جهان را مترقی سازند. عنوان کردند این سند دارای ۵۹ بند و ۱۷ هدف دارد که بسیاری از آن، زیبا و انسانی است و انسان از آن لذت می برد، ولی مجموع آن تثبیت نظام سلطه است و در لا بلای آن، مسائل خود را جاسازی کرده اند.

معظم له با اشاره به ملاحظات چندگانه این سند، در ادامه فرمودند:

این سند عهدنامه و شامل برنامه های مختلف آموزشی، محیط زیست، اقتصادی است و عده ای تصمیم گرفته تا فرهنگ سکولار غرب را همه جا پیاده کنند و هدفشان نیز دگرگون کردن جهان است. سوال این است که آیا ما باید بنشینیم تا دیگران برای ۱۵ سال دیگر شئون زندگی تصمیم بگیرند؟

د - راهکارها:

بدیهی است تعامل با نهادها و مجامع بین المللی و استفاده از ظرفیت ها و فرصت همکاری ها در جهان امروز ضروری، بلکه اجتناب ناپذیر است.

اما توجه به استقلال کشور و حفظ کشور در برابر سلطه نظام استکبار و استعمار فرا نوین و شبکه نرم آن نیز یک ضرورت بلکه واجب بر آمده از هویت اسلامی و ایرانی ما است که اسلام، انقلاب و تاریخ و پیشینه تمدنی ما آن را تعیین می کند. لذا آنچه تعیین کننده منافع ملی است که گاه توجیه دست اندرکاران و مسئولین برای پذیرش این دسته مقررات، پروتکل ها کنوانسیون های به ظاهر مشارکتی و داوطلبانه است، هویت ملی ما است.

با توجه به نکات فوق راهکارهای عبور از این دام نظام سلطه و استعمار فرا نوین عبارتند از: ۱- فهم ارزش استقلال و قبح سلطه ی اجانب و حساس نمودن مسئولین و دست اندرکاران و تصمیم گیران کشور نسبت به این مؤلفه ها و شاخص های آن

۲- فعال شدن مراکز و مسئولین متولی امر پیشرفت و توسعه برای تعیین اهداف، ابعاد و شاخص های پیشرفت اسلامی-ایرانی یا توسعه پیشرفت منطبق با اقتضائات، ارزش ها و هنجارهای بومی.

۳- تشکیل اتحادیه های منطقه ای به ویژه با کشورهای اسلامی و فعال سازی مجموعه کشورهای مستقل مثل غیر متحدها برای مقابله با استعمار فرا نوین و مهندسی ارزش های غربی به نفع سلطه جویی دولت های غربی

۴- حضور و مشارکت فعال قبل از تنظیم این قبیل اسناد و اجتناب از پذیرش نرم ها و معیارهای نظام لیبرال-سرمایه داری به عنوان استانداردها و نرم های جهانی و دفاع از شاخص ها و معیارهای بومی

۵- افزایش سواد فرهنگی و سیاسی مسئولان و کارشناسان دست اندرکار و مرتبط با محافل و مراکز جهانی و بین المللی و بهره گیری از نیروهای توانمند و دارای اعتماد به نفس و وفادار به نظام ارزشی ایران اسلامی و هویت ملی

۶- تولید اسناد رقیب با تکیه بر منظومه ی ارزش ها و معیارهای داخلی یا منطقه ای و حتی

تحلیل و ردایما

آسیب‌شناسی
و بازتولید سرمایه
اجتماعی جریان انقلابی
کشور

مرداد ۱۳۹۶

دکتر عبدالله گنجی

سرمایه اجتماعی برای یک نظام یا جریان سیاسی در جوامع مردم‌سالار امری حیاتی و قطعی است. تولید سرمایه اجتماعی باید مبتنی بر «هنجارهای» موجود و نیازمندی‌های اجتماعی همان جامعه باشد. نیروهای مؤمن به انقلاب اسلامی، مسیری جز مردم‌سالاری ندارند. پیروزی و غلبه مردم‌سالارانه نیز بدون سرمایه اجتماعی ناممکن است. جریان انقلابی کشور باید بتواند سه سطح از مسائلی که کاهنده سرمایه اجتماعی ایشان است را شناسایی و دست به اصلاح و اجتهاد بزند. ۱- قیود ذاتی دینی از طریق اجتهاد ۲- اشتباهات تاکتیکی و روشی ۳- آسیب‌های ریشه‌دار و قالب‌های پیشداورانه که بر ذهن اجتماع نشسته است.

برای برون‌رفت از وضع موجود برشمردن آسیب‌ها و جسارت برای رفع آن از یک سو و شروع روند اصلاحی در عین حفظ اصول از سوی دیگر لازم و ضروری است. مسائلی مانند درک طبقه بزرگ و متوسط جدید، وارد کردن دال‌های اجتماعی به گفتمان، شخصیت‌پردازی، داشتن حرف مشخص درباره آزادی‌های اجتماعی و مدنی و تعریف نسبت خود با چالش‌ها و اشتباهات دستگاه‌های حاکمیتی و... ضروری است.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، جریان انقلابی، مردم‌سالاری، آسیب‌شناسی

در شماره ۱۸ این نشریه مقاله‌ای با عنوان سرمایه اجتماعی نظام سیاسی نوشته شد. در این شماره این سرمایه را در خصوص نیروهای مؤمن به انقلاب اسلامی به صورت خاص دنبال خواهیم نمود. بدون تردید سرمایه اجتماعی در طول حیات بشر دارای معنا، مفهوم و ارزش بوده است. محل رجوع بودن در جوامع ابتدایی و سنتی شاید شکل دیروزی آن بود یا حمایت مردم در هنگامه خطر روی دیگر این سکه بود. اما در دوران مدرن مفهوم سرمایه اجتماعی کمتر رنگ شخصی به خود گرفته است و نقش مردم در تعیین حاکمان، نحوه و مسیر تولید سرمایه اجتماعی را روشن نموده است. بنابراین «محل رجوع» بودن در جوامع سنتی به «اقبال اجتماعی» در پروسه مردم‌سالاری تغییر کرده است و سرمایه اجتماعی یک فرد، حکومت یا جریان صرفاً از مسیر حقانیت و علقه و عاطفه رقم نمی‌خورد که منفعت عمومی و اجتماعی و کارکرد جریان‌ات در زمینه تولید یا فروپاشی سرمایه اجتماعی مهم است. در اینجا می‌خواهیم به این پرسش پاسخ دهیم که جریان سیاسی مؤمن به انقلاب اسلامی چطور می‌تواند سرمایه اجتماعی خود را روزافزون کند یا آن را از دست بدهد؟ استمرار در قدرت به روش دموکراتیک از چه راه‌هایی تسهیل می‌گردد؟ و آیا دینداران با همه قیود دینی که دارند می‌توانند در جوامع امروزی در صدر اقبال اجتماعی قرار گیرند؟ نیروهای مؤمن به انقلاب اسلامی چگونه می‌توانند ارزش‌های انقلاب اسلامی را به روش مردم‌سالارانه حفظ و توسعه دهند و آیا بی‌اقبالی به آنان به معنی فروپاشی سرمایه اجتماعی است یا امری طبیعی باید قلمداد شود؟ چه شاخص‌هایی را باید در جوامع امروز مدنظر داشت تا بتوان با حفظ اصول و ارزش‌های الهی و دینی، سرمایه اجتماعی را نیز حفظ نمود. در این نوشته در صدد پاسخ به این سؤالات هستیم. منظور از جریان انقلابی یا نیروهای انقلابی صرفاً ساختارهای اصولگرایی نیست بلکه معتقدان حقیقی انقلاب اسلامی است.

وضعیت کنونی سرمایه اجتماعی نیروهای انقلاب اسلامی

شکل ظاهری انتخابات ۱۳۹۶ نشان می‌دهد نیروهای مؤمن به انقلاب اسلامی نتوانستند اقبال حداکثری ملت نسبت به شعارهای خویش را جلب کنند اما از ۱۶ میلیون رأی آنان در مقابل ۲۴ میلیون رأی غیریت برداشت و تفسیر واحدی صورت نمی‌گیرد. برخی همین میزان رأی را پیروزی و برخی خلاف آن می‌اندیشند.

۱- برخی معتقدند پیروزی در دسترس نیروهای انقلاب بود اما اشتباهات تاکتیکی در هفته پایانی انتخابات همچون اشتباه در حذف و حفظ مهره‌ها عامل شکست شد و قدرت موج‌سازی از طریق منطق علمی - اجتماعی به توکل و ترجیح بدون استدلال، زمینه‌ساز شکست گردید. در صورتی که این فرض را بپذیریم نمی‌توان گفت اصل سرمایه اجتماعی نیروهای انقلاب آسیب ندیده است و اشتباهات تاکتیکی ارتباطی با سرمایه اجتماعی ندارد.

۲- برخی بر این باورند که عدم شناخت اجتماعی و درک درست از ذائقه اصلی مردم موجب شکست شد. بدین معنی که از سه چشمه رأی‌ساز: ۱- ارزش‌های انقلاب اسلامی ۲- رفاه و معیشت ۳- آزادی‌های اجتماعی و مدنی، نیروهای انقلاب بر رفاه و معیشت تأکید کردند حال آنکه رقیب بر آزادی‌های اجتماعی تکیه زد و توانست وضع مطلوب‌تری را برای خود رقم بزند. بنابراین اگر این فرض هم درست باشد باز نمی‌توان سرمایه اجتماعی نیروهای انقلاب را فروپاشیده دانست بلکه بر اثر اشتباه خود آنان صورت گرفته است.

۳- برخی مانند سعید حجاریان معتقدند نه تنها نیروهای انقلاب شکست نخورده‌اند که ۸ میلیون رشد رأی داشته‌اند. نقطه عزیمت حجاریان انتخابات ۱۳۷۶ است و بر این باور است که نیروهای انقلاب رأی خود را از ۸ میلیون آن سال به ۱۶ میلیون در سال ۱۳۹۶ ارتقا داده‌اند و این آورده مهمی است. در حالی که جریان رقیب رأی خود را نسبت با سال ۱۳۷۶ حدود ۳ میلیون افزایش داده است. یعنی ۲۰ میلیون خاتمی در آن سال به بیش از ۲۳ میلیون رأی روحانی تبدیل شده است اما ۷ میلیون رأی ناطق‌نوری و ۷۰۰ هزار رأی ری شهری اکنون به ۱۶ میلیون افزایش یافته است.

با این فرض نه تنها نیروهای انقلاب سرمایه اجتماعی خود را از دست نداده‌اند بلکه در یک

شیب صعودی در حال ارتقا و تکامل اجتماعی هستند.

۴- فرض چهارم این است که فقط رأی تهران و اهل سنت موجب فرار روحانی از کشیده شدن انتخابات به مرحله دوم شد و اگر نیروهای انقلاب بتوانند برای مردم شهرهای مدرن و طبقه متوسط از یک سو و اهل سنت از سوی دیگر حرف تازه و قابل پذیرشی داشته باشند موقعیت اجتماعی خود را زودتر و بهتر ارتقا خواهند داد.

۵- فرض پنجم این است که نیروهای انقلاب اسلامی به گونه‌ای که درک سیاسی و اعتقادی دارند، درک اجتماعی ندارند یعنی از سبک زندگی جدید اجتماعی تصویر درستی ندارند. شکل‌گیری طبقه متوسط بزرگ در جامعه را درک نمی‌کنند و مشخص نیست در زندگی مدرن امروزی چه قشری را نمایندگی می‌کنند؟ نمی‌توان گفت اصلاح‌طلبان ارتباط اجتماعی قوی‌تر و بهتری با مردم دارند اما آنان توانسته‌اند به افکار عمومی چنان القا نمایند که زندگی امروزی شما را ما نمایندگی می‌کنیم و به رسمیت می‌شناسیم و رقیب آن را به رسمیت نمی‌شناسد. مسئله «رقیب‌هراسی» که برای اولین بار در انتخابات اخیر مفهوم‌سازی شد برای انتقال همین مفهوم ابداع گردیده بود.

۶- فرض ششم و بدبینانه این است که نیروهای انقلاب در یک شیب ملایم به سمت یک اقلیت ثابت در حال حرکت هستند و شتر مردم‌سالاری با وضع موجود، در مقابل منزل آنان توقف نخواهد کرد و مشکل آنان فراتر از عدم نتیجه‌گیری در یک انتخابات است. با این فرض مشکلات نیروهای انقلاب فراتر از اشتباهات تاکتیکی و روشی است و آنان باید دست به تحولات جسورانه و پرهزینه بزنند تا بتوانند باورپذیری اجتماعی نسبت به خود را بازتولید نمایند. آنان باید بتوانند برای آزادی‌های سیاسی- اجتماعی و مدنی حرفی نو داشته باشند و باید به گونه‌ای مشی کنند که ضمن حفظ اصول و بدون عقب‌نشینی از گذشته، آینده و مدلی را بپذیرند که طبقه متوسط و سبک زندگی امروزی درون آن جاسازی شود.

اگر این فرض را واقعی و جدی تلقی نماییم مصداق عینی تولید یا فروپاشی سرمایه اجتماعی نیروهای انقلاب در آن رقم خواهد خورد و چگونگی عمل آنان می‌تواند به ارتقای اجتماعی یا حذف همیشگی‌شان از پروسه مردم‌سالاری کمک نماید. مردم‌سالاری واقعیتی حتمی و قطعی در نظام جمهوری اسلامی است و نمی‌توان آسیب را به وجود آن ارجاع

داد. اگر مردم‌سالاری دینی با شاخص‌های دینی به تباین و تعارض می‌رسید، هرگز مورد اقبال حضرت امام قرار نمی‌گرفت بنابراین راه چاره فقط اصلاح رویکردها، روش‌ها و حتی نگرش‌های موجود در بین نیروهای انقلاب اسلامی است.

سه سطح موانع تولید سرمایه اجتماعی

به نظر می‌رسد نیروهای مؤمن به انقلاب اسلامی در سه سطح با چالش سرمایه اجتماعی مواجه هستند که برخی قابل اصلاح و برخی از مشکلات به اجتهاد نیازمند است.

۱- قیود ذاتی

باید بپذیریم که رقیب- و خصوصاً در انتخابات اخیر جناب روحانی- ثابت کردند که قیودی ندارند اما بالاخره در کشوری که انقلاب شده است کسانی هستند که از این انقلاب آسیب دیده‌اند. منافقین، کمونیست‌ها، ارکان حکومت پیشین و... نمونه‌های آن است. کسانی هستند که به اجرای شریعت اعتقادی ندارند، با حجاب مخالفند و... نیروهای انقلاب نمی‌توانند از اصول اسلامی و انقلابی خود عدول یا برای رأی این جماعت (رأی سیاه) به اپوزیسیون‌بازی علیه نظام بپردازند. بنابراین این قید همچنان وجود خواهد داشت اما کسانی که صاحب رأی سیاه هستند تأثیر ماهوی بر پروسه مردم‌سالاری در ایران ندارند.

۲- آسیب‌های تاکتیکی و روشی

بسیاری از مشکلات نیروهای انقلاب به خاطر اشتباهات تاکتیکی در فهم صحنه و نحوه آرایش است. سختگیری به شاخص‌های صلاحیتی همدیگر، خود اصلح‌پنداری و برآورد اشتباه از آورده‌های اجتماعی، مهره‌گزینی اشتباه، جهت‌گیری‌ها و اولویت‌های شعاری و گفتمانی، نحوه مواجهه با رقیب و... نمونه‌هایی از اشتباهات تاکتیکی است که قابل شناسایی و برطرف کردن است. تفاهم بر سر این آسیب‌ها و جسارت پذیرش خطا شرط اول حل مسئله است.

۳- آسیب‌های ریشه‌ای و فرا زمانی

دسته سوم از آسیب‌ها مرتبط با تولید سرمایه اجتماعی است. نه به تاکتیکی برمی‌گردد و نه به قیود ذاتی دینی بلکه به تصویری برمی‌گردد که در ۳۸ سال گذشته توسط خود آنان،

آسیب شناسی و باز تولید سرمایه اجتماعی جریان انقلابی کشور

رسانه‌های غرب و جریانات رقیب داخلی برای آنان ساخته‌اند. این تصویر به قالب‌های ذهنی - اجتماعی تبدیل شده است و کلیشه‌های ذهنی موجود مبنای بسیاری از پیشداوری‌های امروزی است. در سال‌های اخیر خصوصاً در ۲۰ سال گذشته از نیروهای پا به کار انقلاب تصویری ارائه شد که اصل «بی‌اعتبارسازی» افراد، نهادها و جریان‌های انقلابی محصول آن باشد. دوگانه‌هایی مانند: انتصابی - انتخابی، حاکمیت - مردم، شادی - غم، آزادی - ضد آزادی، خشونت طلب - اصلاح طلب، اقتدارگرا - پاسخگو، صلح طلب - جنگ طلب و... ذهنیت اجتماعی را تا حدودی سامان داده است. از سوی دیگر نیروهای انقلاب نتوانستند گزینه «مردم» را به دال مرکزی گفتمان خویش و در کنار «ارزش‌ها»، «انقلاب» و «ولایت»، «دشمن» وارد نمایند. همچنین نتوانستند از کارآمدی خود بهره لازم را برای تولید سرمایه اجتماعی ببرند. تبدیل خدمات به سرمایه اجتماعی همان «تجارت سیاسی» است. اما در جبهه انقلاب به دلایل متعدد این تولید سرمایه محقق نشد. به طور مثال خدمت احمدی نژاد در شهرداری و شش سال اول دولت او از یک سو و خدمت مثال زدنی ۱۲ ساله قالیباف از سوی دیگر نمونه‌هایی است که در پرونده رقیب مشابه ندارد. اما سرمایه‌سوزی هم از درون و هم از بیرون دست به دست هم داد و کارآمدی نسبی نیروهای انقلاب به سرمایه اجتماعی تبدیل نشد. حل مشکلات تاریخی و ریشه‌دار که نگرش اجتماعی به نیروهای انقلاب را مبهم و شبهه‌گون نشان می‌دهد باید در دستور کار قرار گیرد. در جبهه انقلاب آسیب‌شناسی تا حدودی انجام می‌شود. اما در پس آسیب‌شناسی اتفاق و تحول جدیدی رخ نمی‌دهد. خوشبختانه اراده برای تغییر مشی و رویکرد پس از انتخابات ۱۳۹۶ نسبت به گذشته بسیار برجسته است و این می‌تواند شروع یک راه جدید باشد.

عوامل کاهنده سرمایه اجتماعی نیروهای انقلاب اسلامی

عوامل متعددی در کاهش سرمایه اجتماعی مؤثر است که برخی رفتاری، برخی نگرشی و بخشی گفتمانی است. اشتباهات فردی و مواضع برخی افراد منتسب به جریان نیز در کاهش این سرمایه مؤثر است، اما مهم‌ترین عوامل آن را می‌توان به شرح ذیل دانست.

۱- زندگی مجزا از مردم

حزب اللهی‌ها به تربیت دینی فرزندان حساس هستند، اما در عین حال که خود را جزو حاکمیت و محور آن می‌دانند و مردم نیز توضیح درباره همه کاستی‌های حکومت را از آنان مطالبه می‌کنند، به صورت ناخودآگاه و نانوشته مجزا زندگی می‌کنند (به صورت نسبی). مدرسه فرزندان جدا از بقیه است. معمولاً در شهرک‌ها یا خیابان‌های خاصی ساکن هستند. از همه جای شهر به چنین نقاطی برای سکونت حرکت می‌کنند. در مساجد خاص می‌روند، تراز خودرو آنان - حتی اگر وضع اقتصادی خوبی داشته باشند - پایین است و ... و اینچنین از مردم جدا می‌شوند و از اتفاقات و تحولات دور می‌شوند. محیط جغرافیایی بیرون از حیطه آنان خسته‌کننده و ناراحت‌کننده است، لذا با هم هستند اما با بقیه مردم نیستند.

۲- پاسخگویی در قبال همه اعمال حاکمیت

به صورتی طبیعی حاکمیت اقدامات گسترده‌تری را انجام می‌دهد که بعضاً دارای اشکال است یا بر اثر بی‌تدبیری‌ها و سوءمدیریت‌ها اتفاقاتی رخ می‌دهد که قابل دفاع نیست، اما در فضای عمومی کشور اصلاح‌طلبان خود را پاسخگوی این مشکلات نمی‌دانند، بلکه خود نیز در نقش اپوزیسیون ظاهر می‌شوند. نیروهای انقلاب پلشتی‌ها را تأیید نمی‌کنند، اما منتظرند با تدبیر یا برخورد قانونی مسئله حل شود. اگر دو جناح به صورت علی‌السویه خود را به نظام نزدیک یا خود را «در نظام» می‌دانند، باید به یک اندازه پاسخگوی مشکلات باشند. مثلاً جوانی به نام ستار بهشتی در بازداشتگاه نیروی انتظامی کشته می‌شود. عامل این فوت یک یا چند مأمور انتظامی حاکمیت هستند، یعنی فاعل صحنه نه اصولگراست و نه اصلاح‌طلب، اما در فردای ماجرا اصلاح‌طلبان خونخواه می‌شوند و با مادر وی عکس می‌گیرند و گویی رقیب قاتل آن جوان است. مرگ زهرا کاظمی یا ندا آقا سلطان یا ماجرای کهریزک نمونه‌هایی است که اصلاح‌طلبان نه تنها خود را بدهکار نمی‌دانند که طلبکار هم هستند، در صورتی که انجام دهنده این کار مأمور حاکمیت است و اصولگرایان نیز هیچ موقع از چنین اقداماتی حمایت نکرده‌اند. خلاصه اینکه نیروهای انقلاب بخشی از سرمایه اجتماعی خود را به این دلیل از دست می‌دهند که معادل حاکمیت قلمداد شده‌اند و به

جرم گناه نکرده باید پاسخگوی همه پلشتی ها باشند.

۳- مغضوب غرب

رسانه های غرب با حجم بسیار وسیع و در یک سنت نانوشته له و علیه جریانات سیاسی در ایران فعالیت می کنند، بنابراین بخشی از مخاطبان این رسانه ها از حملات به نیروهای انقلاب متأثر می شوند و از جریان های کشور دیو - دلبر می سازند. رسانه های غرب از اصلاح طلبان حمایت جدی می کنند و خشم خود از ناکامی های موجود را به نیروهای انقلاب ارجاع می دهند. ضدیت با توسعه، دشمن تراشی، سرکوب، ضدیت با آزادی و زنان، مخالفت با نشاط، موسیقی و ... از جمله سرفصل هایی است که رسانه های غرب برای کاهش سرمایه اجتماعی نیروهای انقلاب بر آن متمرکز هستند.

۴- ضعف در دال های اجتماعی گفتمان

نیروهای انقلاب بدون اینکه قصد و غرضی داشته باشند گفتمان خود را بر دال های ارزشی و دینی استوار ساخته اند و جنبه های عمل گرایانه یا واقع گرایانه گفتمان شان کم رنگ است. عناصر اصلی گفتمان آنان حول و حوش انقلابی گری، شهادت، ساده زیستی، عدالت، مهدویت، ولایت، پیشرفت و استکبارستیزی متمرکز است و عناصر گفتمانی دیگر همچون مردم، رفاه، جوانان، قانون اساسی، دگراندیشان و ... کمتر در بیان آنان وجود دارد. همین رویه عاملی در دست رقیب شده است که اتهام دوری انقلابیون از حقایق زندگی اجتماعی، سبک زندگی و به رسمیت شناختن سلاقی دیگر را تا حدودی باورپذیر نماید.

۵- هم تراشی با هدف انجام تکلیف فردی

مقدمه سیاست ورزی در جامعه مردم سالار هم افزایی برای غلبه حداکثری است. به رسمیت شناختن تفاوت های نیروهای همسو اما با سلاقی ناهمسو از یکسو و به رسمیت شناختن رقیب به عنوان بخشی از بازی مردم سالاری از سوی دیگر ضروری است. نیروهای مذهبی با هدف مطلوب گرایی حداکثری و انجام صحیح تکلیف فردی بر کوچک ترین تمایزات سلاقی نیروهای هم جریان متمرکز می شوند و با عیب تراشی و به چالش کشیدن صلاحیت ها به شکاف درون جریانی کمک می نمایند. در دادن رأی نیز تکلیف فردی - شرعی را مقدم بر نتیجه انتخابات و به دست گرفتن قدرت از سوی نیروهای ارزشی می دانند. در نتیجه

تحلیل اولیای

«تکلیف اجتماعی» مدنظر قرار نمی گیرد و در نهایت با تفرق کاندیدا و تفرق رأی، صحنه را واگذار می نمایند. در چنین شرایطی ضعف سرمایه اجتماعی به رأی دهندگان یا رقیب بر نمی گردد، بلکه گم کردن اصول هنگام ائتلاف و وحدت، ضربه را وارد می نماید. به رسمیت شناختن رقیب نیز بعضاً از سوی نیروهای ارزشی به درستی انجام نمی شود، بلکه صحنه را میدان مبارزه حق - باطل می بینند و پیروزی رقیب را به مثابه پیروزی یک هویت دیگر (باطل) قلمداد و موجب سرخوردگی و خودتراشی مجدد می شوند. آنچه در اینجا مهم است هم افزایی با محوریت اصول انقلاب و عدم تمرکز بر سلاقی غیراصولی است. به طور مثال وقتی رقیب را باطل فرض نمودیم، اگر فردی از جریان خودی نیز یک اقدام از کارنامه رقیب را شایسته بداند، وی را نیز دفع خواهیم نمود و اینچنین پایگاه اجتماعی نیز متفرق خواهد شد.

۶- ناتوانی در تلفیق ذائقه اجتماعی و اولویت های انقلابی

بسیاری از نیروهای انقلاب حاضرند جان، مال و آبروی خود را فدای انقلاب اسلامی، اهداف و آرمان های امام (ره) نمایند و این خصیصه ارزشمندی است، اما در عین حال باید بدانند حضور در مسئولیت ها و به دست آوردن اختیارات بیشتر برای خدمتگزاری منوط به جلب نظر اکثریت ملت است.

به صورت طبیعی بخش هایی از ملت ذائقه دیگری دارند یا صرفاً به یک زندگی مطلوب فردی می اندیشند و از حاکمیت توقعاتی غیر از آنچه ما می اندیشیم دارند. لذا انقلابیون باید شعاع دید خود را گسترش دهند و بتوانند ذهنیت اجتماعی و اولویت های خود را در قالب بسته های گویا و قابل پذیرش ارائه دهند.

۷- عدم به کارگیری روش های اقناعی در مواجهه اجتماعی

مواجهه اجتماعی و گفت و شنود در جامعه مردم سالار که طبقه متوسط آن (تحصیل کردگی، شهرنشینی، رفاه نسبی، آگاهی های اجتماعی) رو به رشد است صرفاً با روش های تبعیدی - نقلی امکان پذیر نیست. جامعه جوان ایران خصوصاً با گسترش سیستم های ارتباطی - اطلاعاتی بسیار پرسشگر است و از سوی دیگر اتاق های فکر دشمنان و اپوزیسیون نیز صدها شبهه نسبت به کارآمدی، صلاحیت، مشروعیت و اولویت های نظام را روانه فضای عمومی

می کنند. در چنین شرایطی نمی توان به شکل خطابه با مردم سخن گفت یا روش های تبدیلی که برای مذهب یون حجت است را برای همه تجویز کرد یا با نقل های دینی در صدد قانع کردن مخاطب برآمد. استدلال، پاسخ های عقلایی و به رسمیت شناختن سؤال کننده می تواند سرمایه اجتماعی نیروهای حزب اللهی را افزایش دهد. به طور مثال ممکن است یک جوان دانشجو بگوید در زندگی پیچیده امروزی فلان شخصیت بزرگ و محترم صدر اسلام نمی تواند الگوی امروزی باشد و برای آن چند استدلال هم عنوان کند. اینجا ارائه پاسخ های امروزی و متناسب با شبهات لازم است، در غیر این صورت هم شبهه باقی می ماند و هم پایگاه اجتماعی معتقدین حقیقی انقلاب رو به افول خواهد گرایید.

۸- درک ناقص از طبقات اجتماعی - اقتصادی

ایران در دوران پس از انقلاب دارای یک «طبقه متوسط» بزرگ شده است که از نقاط قوت انقلاب اسلامی است، یعنی تحصیل کردگی، زندگی شهری، رشد آگاهی های سیاسی و اجتماعی که بعد از انقلاب افزایش یافته است شاخصی از عدالت اجتماعی است، اما مطالبات، سبک زندگی، مشی اجتماعی، نیازمندی های سیاسی، ارتباطات رسانه ای و مجازی، فرا ملی و فرامرزی، مرجعیت اجتماعی این طبقه برای طبقات دیگر، تأثیرگذاری آنان در مدارس، دانشگاه ها، ادارات و ... مورد توجه نیروهای انقلاب (به صورت نسبی) قرار نگرفته است. به همین دلیل وقتی هرم رأی در شهری مانند تهران بین مناطق شمالی و جنوبی در سال های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶ وارونه می شود برایشان قابل هضم نیست. نیروهای انقلابی در یک شعاع یا محفظه گفتمانی و محیطی خاصی مشی می کنند، سخنرانی های آن خاص هم طیفان است، محتوا برای امثال خودشان تولید می کنند. مکان های ظهور و بروزشان مکان های تجمع نیروهای همسو است. به همین دلیل بخشی از جامعه برای آنان به مثابه نیمه پنهان است، لذا نگاه بیرونی به آنان به گونه ای است که مرجعیت عام اجتماعی و تراز انقلاب از رفتار و منش شان قابل درک نیست.

اگر پرچمداری عرصه اجتماعی همانند عرصه سیاسی، فرهنگی و اعتقادی به دست نیروهای انقلاب نیفتد نمی توانند رفاه اجتماعی و ارزش های انقلاب را توأمان پیش ببرند. نمی توانند بین آرمان ها و واقعیات زندگی امروز چفت و بست نمایند. نمی توانند لزوم ارتباطات با جهان

و لزوم هوشیاری مقابل دشمنی دشمنان را به صورت همزمان برای مردم توضیح دهند و نمی‌توانند سبک زندگی امروزی را نمایندگی کنند و به رسمیت بشناسند.

تولید سرمایه اجتماعی چگونه؟

مردم‌سالاری اصل پذیرفته شده ولایت‌تغیر قانون اساسی است، لذا چاره‌ای جز هماهنگ شدن با این روش کلی کشورداری و تأثیر بر انتخابات وجود ندارد. نیروهای انقلاب باید بتوانند ارزش‌گرایی را با مردم‌سالاری منطبق نمایند تا بتوانند از تعارض بین انتخاب مردم و ارزش‌های انقلاب اسلامی در فضای ذهنی خود جلوگیری کنند.

۱- باید بتوانند با حفظ اصول، در روش‌ها، نگرش‌های اجتماعی، تابلوهای خودساخته و سلیقه‌محور، تحول ایجاد نمایند. مفهوم «ملت» و تراز آن به معنی کل ایرانیان را باید در شعاع تعامل و برنامه‌ریزی خود قرار دهند و جز اندک ضدانقلاب، باید بتوانند خود را به بقیه مردم عرضه نمایند.

سیره مقام معظم رهبری الگوی عملی ماست. ایشان از ضدانقلابی که وی را قبول ندارند هم می‌خواهند مشارکت کنند. خانمی که حجاب قابل دفاعی ندارد اما در صف انقلابیون ایستاده است را هم به رسمیت می‌شناسند و می‌فرمایند: «دل متعلق به این جبهه است، هر چند نقض ظاهری نیز دارد. حالا می‌خواهید چه کارش کنید؟» اگر نمی‌توانیم جذب کنیم باید راهبرد عدم دفع در دستور کار قرار گیرد و در همه تعاملات اجتماعی عینک مردم‌سالاری شاخص رفتار باشد.

۲- تولید سرمایه اجتماعی در پروسه مردم‌سالاری نیاز به شخصیت‌پردازی و مهره‌های جدید انقلابی، کارآمد و مؤثر دارد. باید در جبهه انقلاب چنین افرادی میداننداری نمایند و در معرض قضاوت مردم قرار گیرند تا امر پوست‌اندازی در شیبی ملایم و مستمر اتفاق بیفتد.

۳- تولیدات محتوایی، سخنرانی‌ها و آثار هنری انقلابیون باید برای طبقات غیرحزب‌اللهمی جذاب باشد، قابل استفاده و اقبال‌کننده باشد تا شعاع مخاطبان گسترش یابد. اکنون محتوای آنان خاص و معمولاً سلبی است و برای مخاطبان خاص تولید می‌شود و در پروسه

مردم‌سالاری آورده حداکثری نخواهد داشت.

۴- نیروهای انقلاب باید به مسائل، آسیب‌ها، نیازمندی‌ها و مطالبات اجتماعی مردم وارد شوند. ظرفیت‌های خارج از دولت همچون کمیته امداد، ستاد اجرایی فرمان امام، سازندگی بسیج و سپاه و ... می‌تواند در زمینه تقویت بعد اجتماعی انقلابیون و تغییر نگرش اجتماعی مؤثر باشد و کارآمدی نظام برای فرودستان را نیز ارتقا بخشد.

۵- انقلابیون باید برای مقولاتی که در دست رقیب مورد استفاده بازی‌های سیاسی قرار می‌گیرد، حرف مشخص و اعلام شده‌ای داشته باشند. مقولاتی مانند نشاط، آزادی، جوانان، زنان، ازدواج، NGOها، فضای سایبری، شبهات سیاسی، اقتصادی، اعتقادی و سیاست خارجی باید در دستور کار انقلابیون باشد تا بتوانند قالب‌های قطب‌بندی شده موجود و پیشداوری‌های اجتماعی که به صورت کلیشه‌های تاریخی درآمده است را بشکنند.

۶- عوارض و هزینه اشتباهات، پلشتی‌ها و مشکلاتی که برخی دستگاه‌های حاکمیتی به وجود می‌آورند باید بین جناحین کشور تقسیم شود و نباید نیروهای انقلاب پاسخگوی گناه نکرده باشند (مانند قتل ستار بهشتی...)، لذا ابراز برائت از برخی اقدامات غیرقابل دفاع می‌تواند مولد سرمایه اجتماعی باشد.

۷- به رسمیت شناختن رقیب و عدم معنادهی به آنان با مفاهیمی مانند، ضد انقلاب، غریب‌گرا، باطل و ... در پروسه مردم‌سالاری ضروری است. در غیر این صورت دوقطبی‌ها، فراسلیقه‌ای و ماهیتی خواهند شد و شکست اجتماعی در چنین شرایطی، بحران تحلیل برای انقلابیون و خصوصاً جوانان همسو را رقم خواهد زد.

۸- وحدت نیروهای انقلاب باید حول اصول انقلاب اسلامی باشد تا از تعارض سلايق کاسته شود. تعدیل دیدگاه‌ها برای وحدت و ائتلاف و حرکت به سمت نتیجه نه تکلیف صرف می‌تواند منازعات درون جریانی را کم نماید. تریبون‌های ائمه جمعه و دیگر صاحبان بیان باید به گونه‌ای باشد که هم از سوژه‌های سرمایه‌سوز جلوگیری شود و هر شعاع مخاطبان عام گردد.

تحلیل و تدوین

رهبری های راهبردی
برای پیش برد اهداف
نظام

مرداد ۱۳۹۶

عباس حاجی نجاری

مقام معظم رهبری در خرداد ماه امسال و در جریان سه دیداری که با مردم ومسئولان کشور در مراسم سالگرد حضرت امام (ره) در چهاردهم خرداد ماه و دیدار با دانشجویان در هفدهم خرداد ماه و دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام در بیست و دوم خرداد ماه ۹۶ داشتند ضمن تبیین اصول وشاخصه های حرکت انقلاب در ۳۸ سال گذشته و تشریح شرایط پیش روی نظام اسلامی، بایسته های حرکت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی در سالهای آینده را روشن نمودند.

در این سه سخنرانی مقام معظم رهبری بر پنج راهبرد کلان برای اداره نظام جمهوری اسلامی تأکید نمودند

اول: ارائه چهارچوبی ادراکی برای نسل جدید که بتواند شرایط شکل گیری و پیروزی انقلاب را درک کرده واینکه بداند چرا باید انقلابی بماند

دوم: تبیین رابط منافع ملی با هویت ملی به عنوان ریشه اصلی بسیاری از چالشها و مبنایی برای برنامه ریزی ها وتصمیمات راهبردی

سوم: ایجاد تحرک وپویایی در میان نیروهای مؤمن به انقلاب به ویژه در عرصه فرهنگی

چهارم: تأکید بر صلابت وایستادگی نظام واینکه مسئولان کشور هدفشان راضی کردن قدرت ها نباشد و بدون انفعال و تسلیم در مقابل زورگویان بایستند

پنجم: ضرورت مقاوم سازی کشور در برابر تحریمها با بهره گیری از ظرفیتهای درونی وتعامل هوشمندانه با دیگر ملتها ودولتها.

محورهای کلیدی در این سه سخنرانی معطوف بر پنج راهبرد فوق عبارتند از:

الف: تبیین اصول وشاخصه های مکتب امام(ره)

ب: بیان عوامل پایداری و حفظ وپیشبرد انقلاب

ج: تشریح بخشی از چالشهای پیش روی نظام

د: راهکار های آینده برای تحقق راهبردها

هـ: الزامات تحقق راهکارها

مقام معظم رهبری در خرداد ماه امسال و در جریان سه دیداری که با مردم ومسئولان کشور در مراسم سالگرد حضرت امام (ره) در چهاردهم خرداد ماه و دیدار با دانشجویان در هفدهم خرداد ماه و دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام در بیست و دوم خرداد ماه ۹۶ داشتند ضمن تبیین اصول و شاخصه های حرکت انقلاب در ۳۸ سال گذشته و تشریح شرایط پیش روی نظام اسلامی، بایسته های حرکت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی در سالهای آینده را روشن نمودند.

در نظام جمهوری اسلامی ایران، بر اساس اصول ۵، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰ قانون اساسی و دیگر اصول آن، مدیریت عالی نظام بر عهده ولی فقیه و رهبر جامعه اسلامی محول شده و دیگر مسئولین اجرایی، قضایی و تقنینی باید در چهارچوب آن اصول و سیاستهای کلی نظام که رهبری تعیین و ابلاغ می نمایند، عمل کنند. آنچه که نظام انقلابی ایران را از سایر نظامهای سیاسی، متمایز می کند، سطح و نوع تهدیدات و چالشهای پیش روی نظام اسلامی است، که دشمنان نظام اسلامی، باهدف جلوگیری از تثبیت و تحکیم نظام دینی بر نظام و مردم تحمیل کرده اند

دشمنان نظام اسلامی وبه ویژه آمریکا به زعم خود تمامی روشهای ممکن را برای فروپاشی و شکست نظام، تجربه کرده اند، که در آخرین نوع آن، می توان به تشدید تحریمهای اقتصادی، نظامی و امنیتی اشاره کرد که، تهدید نظامی و تصریح بر براندازی آشکار نظام را نیز در پیوست خود دارد.، تهدیداتی که صراحتا باهدف وادار کردن ایران اسلامی به تسلیم و تمکین در برابر نظام سلطه مطرح شده و تلاش دارد از روند پیشرفت و اعتلای نظام اسلامی جلوگیری کرده و در صورت ناتوانی در براندازی نظام، آن را در چهارچوب راهبردها و سیاستهای کلان نظام سلطه مهار کنند

اما به رغم آن نظام جمهوری اسلامی در عین اتکاء به عنایات الهی و پشتوانه مردمی، به دلیل برخورداری از رهبری منحصر به فرد، توانسته است با اقتدار و صلابت در برابر زیاده

خواهی های قدرت های بزرگ در عرصه بین المللی که حقوق سایر کشورها را نادیده گرفته و منافع خود را در سلطه طلبی و تجاوز به سایر کشورها تعریف می کنند، ایستادگی کرده و مرعوب قدرت آنان نگردد. هدایتها و هشدارهای رهبر معظم انقلاب در طول سالهای اخیر سبب شده است که نظام جمهوری اسلامی بتواند قدرتمندانه گردنه های سختی را پشت سر بگذارد، چالشهایی که هریک برای به زانو در آوردن هر نظام سیاسی کفایت می کرد.

راهبرد های کلان

در این سه سخنرانی مقام معظم رهبری بر ۵ راهبرد کلان برای اداره نظام جمهوری اسلامی تأکید نمودند

اول: ارائه چهارچوبی ادراکی برای نسل جدید که بتواند شرایط شکل گیری و پیروزی انقلاب را درک کرده و اینکه بداند چرا باید انقلابی بماند

دوم: تبیین رابط منافع ملی با هویت ملی به عنوان ریشه اصلی بسیاری از چالشها و مبنایی برای برنامه ریزی ها و تصمیمات راهبردی

سوم: ایجاد تحرک و پویایی در میان نیروهای مؤمن به انقلاب به ویژه در عرصه فرهنگی

چهارم: تأکید بر صلابت و ایستادگی نظام و اینکه مسئولان کشور هدفشان راضی کردن قدرت ها نباشد و بدون انفعال و تسلیم در مقابل زورگویان بایستند

پنجم: ضرورت مقاوم سازی کشور در برابر تحریمها با بهره گیری از ظرفیتهای درونی و تعامل

هوشمندانه با دیگر ملتها و دولتها.

محورهای کلیدی در این سه سخنرانی معطوف بر پنج راهبرد فوق

الف: تبیین اصول و شاخصه های مکتب امام (ره)

در تبیین اصول حرکت امام خمینی، ایشان به ۶ اصل اشاره دارند

۱- اسلام ناب محمدی (ص) به عنوان محور و شالوده نظام اسلامی

۲- استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی

۳- بیرون آمدن از چنبره سلطه امریکا

۴- مردم سالاری

۵- حق انتخاب و حاکمیت مردم

۶- ایجاد خودباوری در ملت

مقام معظم رهبری جذابیت‌های شخصیتی و مبانی امام خمینی را عامل اصلی پیوستن جوانان به نهضت و انقلاب اسلامی می‌دانند که در نهایت موجب پیروزی انقلاب و بروز یک زلزله سیاسی در دنیا شد. (۳/۱۴) شدند: راز موفقیت امام خمینی و هنر بزرگ آن امام، این بود که توانست آحاد مردم به‌ویژه جوانان را به صحنه بیاورد و آنان را در صحنه نگه دارد. رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: در هر کشوری که آحاد مردم وارد صحنه شوند و بایستند و مقاومت کنند، اهداف آنها محقق خواهد شد. ۳/۱۴

ب: عوامل پایداری و حفظ و پیشبرد انقلاب

۱- حفظ و تقویت روحیه انقلابی: در تبیین عوامل عوامل پایداری و حفظ و پیشبرد انقلاب مقام معظم رهبری حفظ و تقویت روحیه انقلابی را مهمترین اصل دانسته و در پاسخ به کسانی که عقلانیت را در برابر انقلابیگری مطرح می‌کنند یادآور می‌شوند که: عقلانیت واقعی در «انقلابی‌گری» است و نگاه انقلابی است که می‌تواند حقایق و واقعیت‌ها را نشان دهد. ایشان در بیان مصداقی از این مسئله مهم یادآوری کردند: امام بزرگوار سی و چند سال پیش در پرتو نگاه انقلابی و در واقع عقلانی، امریکا را «شیطان بزرگ» و «غیرقابل اعتماد» معرفی کرد و اکنون بعد از سه دهه، رؤسای برخی کشورهای اروپایی به این واقعیت اذعان می‌کنند و امریکا را غیرقابل اعتماد می‌نامند که این مسئله، عقلانیت ناشی از انقلابی‌گری امام را نشان می‌دهد. عقلانیت یعنی شناخت اصالت‌ها، تکیه به مردم و نیروهای داخلی و توکل به خدا، نه اینکه انسان بعد از رها شدن از چنبره سلطه امریکا، مجدداً خود را به شیطان بزرگ نزدیک کند. (۳/۱۴)

در بیان شاخصه های هویت انقلابی نیز مقام معظم رهبری سال گذشته در مراسم بیست و هفتمین سالگرد امام خمینی (ره) پنج شاخص را مطرح کردند که عبارتند از:

۱ - پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی اسلام و انقلاب. اگر این پایبندی وجود داشت، حرکت مستمر و مستقیم خواهد بود.

۲- هدف گیری آرمان های انقلاب و همت بالا برای رسیدن به آنها و عدم تسلیم در برابر فشارها.

۳- پایبندی به استقلال کشور با توجه به اینکه استقلال سیاسی معنایش این است که در زمینه سیاسی فریب دشمن را نخوریم، استقلال فرهنگی که از همه مهم تر است در این است که سبک زندگی را سبک زندگی اسلامی ایرانی انتخاب کنیم و استقلال اقتصادی هم هضم نشدن در هاضمه اقتصاد جامعه جهانی است.

۴- حساسیت در برابر نقشه دشمن و عدم تبعیت از آن: باید دشمن را شناخت، نقشه او را فهمید، از تبعیت دشمن سر باز زد.

۵- تقوای دینی و سیاسی؛ تقوای سیاسی یعنی انسان از لغزشگاه هایی که دشمن می تواند از آن استفاده کند، پرهیز کند.

۲: نیاز کشور به «روحیه، ممشا، اصول و مبانی انقلاب و امام»: انقلابی گری یعنی مسئولان کشور هدفشان راضی کردن قدرت ها نباشد و بدون انفعال و تسلیم در مقابل زورگویان، فریب آنها را نخورند و با دوری از ضعف نفس در مقابل شیطان بزرگ، همت و هدف خود را در به کارگیری نیروها و عناصر داخلی، حل مشکلات و راضی کردن مردم متمرکز کنند. ایشان نیاز کشور را به «روحیه، ممشا، اصول و مبانی انقلاب و امام» مورد تأکید قرار دادند و افزودند: «انقلابی گری» را به عنوان «افراطی گری» نفی نکنید، زیرا انقلابی گری نیاز واقعی کشور و جامعه است. ۳/۱۴

۳- تأمین منافع ملی متکی بر هویت ملی: رهبر معظم انقلاب: برای اداره درست کشور و مدیریت فرصت ها و تهدیدها باید ضمن استفاده از تجربیات که مهمترین آنها وحدت ملی و اعتماد نکردن به آمریکاست، به ملاکهای درست تصمیم گیری اتکا کرد که اصلی ترین این ملاکها، «تأمین منافع ملی حقیقی» یعنی منافع ملی است که با هویت ملی و انقلابی ملت در تعارض نباشد. ایشان خاطرنشان کردند: منافع ملی باید با هویت ملی تطبیق داده شود نه اینکه هویت ملی تابعی از موضوعاتی تحت عنوان منافع ملی قرار گیرد، زیرا در واقع آن موارد، «منافع تخیلی» است نه منافع ملی. (۲۲/ ۳)

ج: چالشهای پیش روی نظام

لازمه ترسیم نقشه راه آینده، پیش بینی چالشهای پیش روی نظام است. گوشه ای از چالشها به شرح زیر است

۱- آمریکاییها با هنجار سازی در پی «بی ثبات سازی منطقه» هستند: حضرت آیت الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه منافع ملی ما نباید تحت تحمیل خارجی قرار گیرد، افزودند: یکی از این شیوه‌ها تأمین منافع مستکبران تحت عنوان «هنجارهای بین المللی» است تا از این راه، کشورهای مستقل و ظلم ستیز را به هنجارشکنی متهم کنند. ۳/ ۲۲

۲- دوقطبی سازی برای تحکیم و اعمال سلطه: رهبر انقلاب در دیدار با دانشجویان با اشاره به راهبرد نظام سلطه در ایجاد دوقطبی، یادآور می شوند: نظام سلطه به معنای یک نظام دوقطبی جهانی است که در یک قطب آن، «سلطه‌گر» و در قطب دیگر، «زیر سلطه» قرار دارد. ایشان به دوگانه‌های شکل گرفته در ذیل نظام سلطه اشاره کردند و گفتند: دوگانه‌ی «پیشرفت و توقف»، دوگانه‌ی «ابتکار و تقلید»، دوگانه‌ی «استقلال سیاسی و وابستگی»، و دوگانه‌ی «اعتماد به نفس و انفعال»، دوگانه‌هایی هستند که در دو یا سه قرن اخیر به وجود آمدند و کشورهای مسلط با برنامه‌ریزی علمی و دقیق تلاش کردند تا ضمن انتقال جهان‌بینی، فرهنگ و عادات خود به کشورهای زیر سلطه، این حالت را ابدی و دائمی کنند.

۳/۱۷

۳- القای وجود فساد گسترده در کشور: رهبر معظم انقلاب اسلامی با نادرست خواندن برخی سخنان مبنی بر وجود «فساد سیستمی» در کشور، گفتند: فساد سیستمی در دوره‌ی طاغوت وجود داشت و سیستم به‌طور طبیعی فسادآور بود اما امروز، فسادهایی وجود دارد که اگرچه فسادهای بدی نیز هستند ولی فساد به‌صورت موردی است نه سیستمی، که البته باید با این موارد برخورد شود. ۳/۱۷

۴- تلاش برای انحراف انقلاب از مسیر خود: مقام معظم رهبری با اشاره به وجود انگیزه‌هایی در جهت «توسعه‌ی فرهنگ غربی در کشور» افزودند: این انگیزه‌ها وجود دارد اما بدانید هرگز نخواهند توانست انقلاب را از خط خود منحرف و کشور را در فرهنگ غربی غرق

کنند. ایشان، نسل گسترده و تربیت شده‌ی علاقه‌مند به اسلام و انقلاب را مانع غربی شدن فرهنگ کشور خواندند و خاطرنشان کردند: این نسل روز به روز گسترش و عمق بیشتری خواهد یافت و سخنان عمیق و سنجیده‌ی دانشجویان در جلسه‌ی امروز، نشانه‌ای از همین واقعیت است. ۳/۱۷

۵- سوءاستفاده از خلاء های برجام: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به قضیه «برجام» گفتند: به مسئولانی که پیگیر این مسئله بودند اعتماد داشتیم و داریم چرا که آنها را خودی و مؤمن می دانیم اما در همین ماجرا در مواردی به علت اعتماد به حرف طرف مقابل از مسائلی صرف نظر کردیم یا اهتمام لازم را به خرج ندادیم که در نتیجه خللهایی باقی ماند که دشمن در حال استفاده از آنهاست ۳/ ۲۲

۶- آمریکا منشأ اصلی چالشها: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: بسیاری از مسائل با آمریکا اساساً قابل حل نیست زیرا مشکل آمریکا با ما ناشی از مسائلی همچون انرژی هسته‌ای و حقوق بشر نیست، بلکه مشکل آنها با اصل جمهوری اسلامی است. ایشان، سر کار آمدن نظام اسلامی در منطقه‌ای مهم و در سرزمینی ثروتمند همچون ایران و در پیش گرفتن سیاستهای مستقل را عامل اصلی دشمنی آمریکایی‌ها با جمهوری اسلامی دانستند و گفتند: آنها با اصل استقلال کشور مخالفند و حتی اگر حکومتی در کشور بر سر کار بود که دینی و انقلابی نبود اما مستقل بود، مخالفت‌ها و معارضه‌هایی با آن وجود داشت. رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به منابع و امکانات فراوان ایران اسلامی گفتند: قدرتهایی که کارشان دست‌اندازی در کشورهاست، حاضر نیستند از چنین لقمه‌ای بگذرند، اما انقلاب اسلامی نمی‌گذارد این لقمه از گلوئی آنها پایین برود. ایشان مسائلی همچون «حقوق بشر، تروریسم و ادعای ایجاد بی‌ثباتی از سوی ایران در منطقه» را بهانه‌های آمریکا علیه نظام اسلامی دانستند و خاطرنشان کردند: آمریکا، خود تروریست و تروریست‌پرور و حامی رژیم‌های همچون رژیم صهیونیستی است که مغز تروریسم است و از روز اول با ترور و ظلم بوجود آمده است، بنابراین، با آمریکا نمی‌توان کنار آمد. ۳/ ۲۲

۷- نفوذ فرهنگی: مقام معظم رهبری بار ها در عین گلایه از ولنگاری ها وضعف ها در عرصه فرهنگی، ضعف در این عرصه را یکی از چالشهای اساسی نظام دانسته اند .ایشان

با اشاره به وجود انگیزه‌هایی در جهت «توسعه‌ی فرهنگ غربی در کشور» افزودند: این انگیزه‌ها وجود دارد اما بدانید هرگز نخواهند توانست انقلاب را از خط خود منحرف و کشور را در فرهنگ غربی غرق کنند. ایشان، نسل گسترده و تربیت‌شده‌ی علاقه‌مند به اسلام و انقلاب را مانع غربی شدن فرهنگ کشور خواندند و خاطرنشان کردند: این نسل روزبه‌روز گسترش و عمق بیشتری خواهد یافت و سخنان عمیق و سنجیده‌ی دانشجویان در جلسه‌ی امروز، نشانه‌ای از همین واقعیت است. ۳/۱۷

مصادق مورد اشاره مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان سند ۲۰۳۰ است. ایشان موضوع سند ۲۰۳۰ را در چارچوب مسئله استقلال قابل ارزیابی دانستند و خاطرنشان کردند: برخی می‌گویند ما در این خصوص تحفظ داده‌ایم و گفته‌ایم فلان بخش آن را قبول نداریم، درحالی‌که حتی اگر هیچ مورد واضح خلاف اسلام در آن وجود نداشت، باز هم نظام آموزشی نباید در بیرون از کشور نوشته شود، حال آنکه موارد خلاف اسلام نیز در آن سند وجود دارد و برداشت افرادی که خیال می‌کنند ما در این موضوع گزارش‌های درستی نگرفته‌ایم، برداشت درستی نیست. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: اینجا ایران و جمهوری اسلامی است و این ملت، ملت بزرگی است، چرا باید چند نفر در یونسکو یا سازمان ملل، نظام آموزشی ما را بنویسند؟

د: راهکار های آینده برای تحقق راهبردها

۱- حفظ انسجام و وحدت ملی: رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به «تأثیر تعیین کننده انسجام و وحدت ملی» در موفقیت‌های ۴ دهه اخیر افزودند: باید از این تجربه موفق در اداره کشور استفاده کرد، البته وحدت منافاتی با اعلام مخالفت با سیاست‌های دستگاهها ندارد اما نباید در زمینه مسائل کلان در کشور کشمکش و بگومگو باشد. ایشان «دو قطبی شدن کشور» و «دو دستگی مردم» را تجربه ای خطرناک دانستند و افزودند: در سال ۵۹، رئیس جمهور وقت جامعه را دو قطبی، و مردم را به دو دسته مخالف و موافق تقسیم کرد که نباید این تجربه تکرار شود. ۳/ ۲۲

۲- راه تحقق اهداف انقلاب، عقلانیت متکی بر انقلابی‌گری است: ملت ایران در پرتو اهداف و آرمان‌های همچنان پر جاذبه امام و هوشیاری در مقابل شیطان بزرگ، راه تحقق

اهداف انقلاب را در معنای حقیقی عقلانیت یعنی انقلابی گری ادامه می دهد. ۳/۱۴

۳- ضرورت به صحنه آوردن مردم وزمین ساز برای حفظ آنها: در هر کشوری که آحاد

مردم وارد صحنه شوند و بایستند و مقاومت کنند، اهداف آنها محقق خواهد شد. ۳/۱۴

۴- حفظ قدرت بسیج کنندگی انقلاب، در مقابل این دشمنان گستاخ، ایران به قدرت بسیج کنندگی انقلاب نیاز جدی دارد و باید همه مسئولان و دلسوزان انقلاب، ارزش ها و آرمان ها را به معنای واقعی کلمه ارج بنهند و به خاطر اهداف کوتاه مدت و تحولات سیاسی زودگذر

و روزمره، اصول و ارزش ها را به فراموشی نسپارند. ۳/۱۴

۵- حفظ استقلال در برابرسلطه: عقلانیت یعنی شناخت اصالت ها، تکیه به مردم و نیروهای داخلی و توکل به خدا، نه اینکه انسان بعد از رها شدن از چنبره سلطه امریکا، مجدداً خود

را به شیطان بزرگ نزدیک کند. ۳/۱۴

۶- عدم سازش: مقام معظم رهبری با انتقاد از کسانی که به اسم «عقلانیت» می گویند «چالش با قدرت ها» هزینه دارد، افزودند: بله «چالش» هزینه دارد اما «سازش» هم هزینه های گزاف دارد. ایشان اقدام سعودی ها را در هزینه کردن صدها میلیارد دلار از پول ملت شان برای تحقق امیال و اهداف امریکا، هزینه سازش با شیطان بزرگ خواندند و افزودند: اگر انسان با اعتماد به نفس و «منطق و عقلانیت انقلابی» در یک چالش وارد شود،

هزینه اش به مراتب کمتر از هزینه سازش است. ۳/۱۴

۷- هر عقب نشینی در مقابل دشمنان، آنها را به مطالبات جدید وا می دارد: حقیقت این است که قدرت های توطئه گر و تجاوزپیشه به هیچ چیز قانع نیستند و همانطور که در تعاملات چند سال اخیر دیدیم، هر عقب نشینی در مقابل دشمنان، آنها را به مطالبات جدید وا می دارد و این سلسله «عقب نشینی و مطالبه تازه» هیچ پایانی ندارد. ۳/۱۴

۸- انقلابی گری نیاز واقعی کشور و جامعه است: «انقلابی گری» را به عنوان «افراطی گری»

نفی نکنید، زیرا انقلابی گری نیاز واقعی کشور و جامعه است. ۳/۱۴

۹- باید کشور در مقابل تحریم های امریکا، مقاوم سازی شود: مسئولین برای مقاوم سازی کشور در قبال تحریم های آمریکا، باید کشور را آماده کنند؛ کشور را مقاوم سازی کنند. می بینید آمریکایی ها با کمال وقاحت هر روزی یک حرف جدیدی [میزند]، یک ساز

جدیدی کوک میکنند؛ باید در مقابل آنچه آنها انجام میدهند، کشور مقاوم باشد و توانایی ایستادگی داشته باشد. این مقاومت اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و همه جانبه را مسئولین در نظر بگیرند. ۳/۱۴

ه: الزامات تحقق راهکارها

۱- پرهیز از تصمیمات مغایر با اسلام، انقلاب و تاریخ ملت ایران: مسئولان کشور اعم از دولت محترم، قوه قضاییه، قوه مقننه و همه کسانی که تصمیم های کلان می گیرند، باید از هر تصمیمی که شائبه بیگانه بودن با اسلام، انقلاب و تاریخ ملت ایران و یا ضدیت با آنها را داشته باشد، پرهیز کنند. ۳/ ۲۲

۲- تعریف منافع ملی نباید راه استفاده از پیشرفتهای بشری، را مسدود کند: رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه تعریف ارائه شده از منافع ملی به معنای نادیده گرفتن پیشرفتهای بشری و محروم کردن خود از این پیشرفتهای نیست، افزودند: متأسفانه این روزها تأویل برخی سخنانی که مسئولان بیان می کنند، بصورت وسیع، رایج شده است و نباید تعریف منافع ملی در چارچوب هویت اسلامی، انقلابی و تاریخی، به معنای بسته شدن راه استفاده از پیشرفتهای بشری، تأویل شود. ۳/ ۲۲

۳- مسئولان باید با دشمن خارجی و عوامل داخلی او فاصله گذاری جدی کنند: رهبر انقلاب اسلامی «فاصله گذاری واضح با دشمن» را زمینه ساز وحدت ملی دانستند و افزودند: مسئولان باید با دشمن خارجی و عوامل داخلی او فاصله گذاری جدی کنند. ایشان با یادآوری تجربه تلخ حوادث سال ۸۸ گفتند: در آن حوادث عده ای در خیابانها به صراحت علیه اساس انقلاب و باورهای دینی شعار دادند و چون با آنها مرزبندی و فاصله گذاری نشد مشکلات ادامه یافت. ۳/ ۲۲

۴- ضرورت «تکیه بر ظرفیتهای داخلی و اولویت دادن به تولید ملی»: کشور دارای نیروی انسانی جوان و بسیار خوب و کارآمد است که ظرفیت خود را در پیشرفتهای علمی از جمله مسئله انرژی هسته ای نشان داده است و باید از تجربه مفید استفاده از جوانان برای پیشبرد بخشهای دیگر کشور نیز استفاده کرد ۳/ ۲۲

۵- نباید به دشمن اعتماد کرد، هر جا کوتاه آمدیم ضربه خوردیم: رهبر معظم انقلاب: می توانستیم به دشمن اعتماد نکنیم اما در جاهایی به علت هایی مثلاً برای گرفتن بهانه از دست آمریکایی ها کوتاه آمدیم که البته بهانه گرفته نشد و ضربه هم خوردیم: رهبر انقلاب به مسئولان تأکید کردند: هر جا عرصه کار با بیگانگان است باید با دقت، وسواس و احتیاط کامل وارد شد و در لحن و بیان هم بگونه ای سخن گفت که اعتماد به دشمن در آن احساس نشود، زیرا هم در داخل و هم نزد بیگانگان تأثیر منفی خواهد داشت. ۳/ ۲۲

۶- تقویت عناصر اقتدار ملی :: بدیهی است که آمریکا برای حذف عناصر اقتدار ایران از سپاه و نیروی قدس بدش بیاید و شرط و شروط بگذارد که مثلاً سپاه نباشد، بسیج دخالت نکند، در مسائل منطقه ای اینطور رفتار کنید و امثال این حرفها، اما همه مسئولان باید برعکس دشمن، عناصر اقتدار و عزت ایران یعنی نیروهای مسلح، سپاه، بسیج و همه عناصر مؤمن و انقلابی را تقویت کنند. ۳/ ۲۲

۷- درباره مسائل اقتصادی خیلی حرف زده شد، اکنون باید وارد عمل شد: مقام معظم رهبری در ادامه سخنان شان به بیان چند نکته مهم و تأثیرگذار اقتصادی در اداره صحیح کشور پرداخته و خاطرنشان کردند: رئیس جمهور محترم در سخنان شان مواردی را گفتند که «باید بشود» اما مخاطب و مجری عمده این موارد، خود ایشان و تیم کاری دولت هستند. ۸- عدم عدول از مواضع انقلابی: رهبر انقلاب اسلامی خاطرنشان کردند: آمریکایی ها بدانند جمهوری اسلامی از مواضعی همچون ظلم ستیزی و دفاع از فلسطین دست بر نمی دارد و از تلاش برای احقاق حقوق ملت کوتاه نمی آید ۳/ ۲۲.

۹- الزامات مدیریت کشور

الف: ملاکهای تصمیم گیری ها را مشخص کنید و آنها را درست انتخاب کنید

ب: از تجربه ۳۸ ساله گذشته استفاده کنید

ج: تأمین منافع ملی ملاک تصمیم گیری مسئولین کشور باشد: منافع ملی باید مبتنی بر هویت ملی (مسلمان بودن، انقلابی بودن، عمق تاریخی). باشد. هوشیاری نسبت به اینکه استکبار تلاش دارد منافع خود را تحت عنوان هنجارهای بین المللی بر ما تحمیل کند

۱۰- عمل آتش به اختیار: رهبر انقلاب با طرح موضوع عمل آتش به اختیار در جمع

دانشجویان عرصه نوینی را برای بهره گیری از ظرفیت دانشجویان به عنوان افسران جنگ نرم گشودند و یادآور شدند: گاهی دستگاه‌های مرکزی فکر، فرهنگ و سیاست، دچار اختلال و تعطیلی می‌شوند که در این وضعیت، باید افسران جنگ نرم، با شناخت وظیفه‌ی خود، به صورت آتش به اختیار، تصمیم‌گیری و اقدام کنند. ۳/۱۷

رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز عید فطر با بیان اینکه یکی از مهم‌ترین کارهای کشور کار فرهنگی است با اشاره به منافذ و نفوذگاه‌های بسیار دشمن در عرصه فرهنگی تأکید کردند: «علاوه بر مجموعه‌های مسئول دولتی، مجموعه‌های عظیم مردمی و جوانان صاحب فکر و دارای ابتکار و همت نیز باید (آتش به اختیار) منافذ فرهنگی را مسدود و در این عرصه اقدام کنند». «آتش به اختیار به معنای کار (فرهنگی خودجوش و تمیز) است و به معنای بی‌قانونی و فحاشی و طلبکار کردن مدعیان پوچ اندیش و مدیون کردن جریان انقلابی کشور نیست.»

تحلیل و تدوین

پرسش‌ها
و پاسخ‌های کلیدی

مرداد ۱۳۹۶

دکتر رضا داوری

اهداف و پیام‌ها در دیدار فرماندهان سپاه با رئیس‌جمهور

پرسیمان: اخیراً تعدادی از فرماندهان عالیرتبه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با حجت‌الاسلام دکتر حسن روحانی دیدار کردند. بفرمایید هدف از این دیدار چه بود و چه مطالبی مطرح شده است؟

پاسخ: هدف از این دیدار را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱- این دیدار به درخواست فرماندهان ارشد سپاه صورت گرفت و هدف اصلی آن چگونگی همگرایی نیروهای داخل نظام جهت تأمین مصالح ملی، امنیت‌آفرینی و صیانت از ارزش‌های بنیادی انقلاب اسلامی بوده است. بی‌شک وحدت و وفاق ملی یکی از ضرورت‌های مهم و اصلی برای هر کشور به‌شمار می‌آید و هر جامعه‌ای برای رویارویی با تهدیدهای بیرونی و چالش‌های درونی، ناگزیر از حرکت به سوی انسجام و وحدت است. بر این اساس، اولویت دادن به منافع ملی و الزام عملی به آن، امری حتمی و گریزناپذیر است.

۲- یکی از اهداف این جلسه، طرح و انتقال دغدغه‌ها و نگرانی‌هایی است که این روزها در میان وفاداران نظام اسلامی نسبت به ادبیات و رویکردهای تبلیغی دولت به وجود آمده است. فرماندهان حاضر در جلسه درصدد برآمدند تا بدون واسطه و صریح، دغدغه‌هایشان را با رئیس‌جمهور درمیان بگذارند. از این‌رو با توجه به شناخت عمیق و دیرپای آقای روحانی نسبت به سپاه، انتظار می‌رود تحولی در همه آنچه طی یکی دو سال اخیر در ادبیات و بعضاً رفتار دولت شاهد بوده‌ایم، پدید آید.

۳- برخلاف آنچه بعضی از رسانه‌های خاص مطرح کرده‌اند، دو بحث در این دیدار از سوی فرماندهان سپاه مطرح نشده است، یکی بحث‌های مرتبط با پروژه‌های اقتصادی و دیگری بحث‌های مرتبط با شکل‌گیری کابینه جدید.

قطعا سپاه پاسداران ورود در این دو حوزه را مسئولیت خویش نمی‌داند و آن‌را بخشی از حوزه صلاحیت‌ها و اختیارات رئیس‌جمهور می‌داند و به آن نمی‌اندیشد تا در این حوزه‌ها پیشنهادی ارائه کند. فعالیت سپاه در حوزه اقتصادی که از اواسط دوره اول ریاست‌جمهوری مرحوم هاشمی رفسنجانی شروع شد، هیچگاه داوطلبانه نبوده و همواره و از جمله در دولت دکتر روحانی با اصرار دولت صورت گرفته است. در این میان دکتر نوبخت در هفته پیش

با صراحت اعتراف کرد که سپاه در آن دسته از پروژه‌هایی فعالیت خواهد کرد که بخش خصوصی ایران بی‌انگیزه یا توان انجام آن‌ها را ندارد.

۴- دیدار دکتر روحانی با فرزندان پاکبخته ملت در فرماندهی سپاه را باید به فال نیک گرفت. در عین حال لازمه عمق و محتوای بیشتر بخشیدن به این دیدار، نمایش اراده دولت برای تکریم عملی جایگاه اقتدارآفرین و گره‌گشای سپاه است.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مجموعه‌ای متشکل از نیروهای با ایمانی است که برابر قانون اساسی «نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن» را برعهده دارد، مسؤولیتی که از بدو تأسیس تا کنون به بهترین صورت دنبال شده است. این جمله زیبایی بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی پیرامون این نهاد مقدس، گویاتر از هر استدلالی است که «اگر سپاه نبود کشور نبود.»

به اعتقاد کارشناسان و تحلیل‌گران سیاسی، پیام این دیدار در مجموع می‌تواند نشانگر همدلی و انسجام میان مسؤولان در عین وجود برخی اختلاف سلیقه‌ها باشد. از این‌رو هرچند اگر در برخی زمینه‌ها سلیقه‌های متفاوتی وجود دارد اما این دلیل نمی‌شود که منافع ملی نادیده گرفته شود. این وحدت به مثابه پادزهری است که کشور را در برابر آفت‌ها و آسیب‌ها واکسینه می‌کند و می‌تواند نقطه آغازی برای تسریع در روند پیشرفت همه‌جانبه کشور باشد.

بسترها و اهداف جنجال آفرینی پیرامون بازداشت مداحان چیست؟

پرسیمان: مدتی است که در فضای رسانه‌ها و برخی محافل، شاهد انتشار خبرها و یا شایعاتی درباره دستگیری تعدادی از مداحان مشهور هستیم. آیا این ادعاها درست است یا آنکه بازداشت مداحان به اتهام جاسوسی و فساد اقتصادی و یا اخلاقی، شایعاتی است که در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به آن دامن زده می‌شود؟

پاسخ: به گفته مقامات قوه قضاییه، سالانه بیش از ۱۵ میلیون پرونده در محاکم قضایی کشور تشکیل می‌شود که شامل دعاوی حقوقی، کیفری، خانوادگی و... است. افرادی هم که در طرفین دعوا قرار دارند از طبقات مختلف اجتماعی همچون اساتید دانشگاه‌ها، روحانیون، پزشکان، بازاریان، افراد دارای مشاغل آزاد، خانم‌های خانه‌دار، مداحان، دانشجویان و... هستند.

بنابراین بدون قضاوت درباره صحت و سقم ادعاهای اخیر که در فضای رسانه‌ای کشور درباره دو مداح مطرح شده است، مراجعه و یا احضار طبقات مختلف جامعه به دادگاه‌ها امری معمول و متعارف است و نباید حضور و حتی احضار چهره‌های مشهور به دادگاه و آن هم در مراحل بازپرسی و بازجویی را در بوق و کرنا کرد.

بدون تردید به دلیل نقش قابل توجهی که روحانیون، وعاظ، قاریان قرآن و مداحان در تشکیل و گسترش محافل مذهبی و جذب و پرورش جوانان در مسیر دینداری دارند، دشمنان داخلی و خارجی برای تخریب این افراد و محافل آنان، برنامه‌های ویژه‌ای را طراحی کرده‌اند و خطای احتمالی تعداد انگشت شماری از این افراد گاه بهانه‌ای برای زیر سوال بردن ده‌ها و بلکه صدها هزار نفری می‌شود که سال‌ها است خالصانه و مجاهدانه در امر تبلیغ و ترویج آموزه‌های دینی مشغول فعالیت و مجاهدت‌های خالصانه هستند.

ضمن آنکه هیچ روحانی و پزشک و مهندس و قاری و مداحی هم نمی‌تواند و نباید ادعا کند که همه افرادی که در طیف ما در حال فعالیت هستند، انسان‌هایی معصوم و مصون از خطا و اشتباه هستند. علاوه بر آنکه میزان آسیب‌پذیری و دام‌گستری برای به دام انداختن طبقاتی خاص از جامعه که محل رجوع و رتق و فتق مشکلات و نیازهای مردم هستند، بیشتر از طبقات عادی جامعه است.

حجم فعالیت مخرب رسانه‌ها و شبکه‌های خارجی و اپوزیسیون در موضوع احضار و بازداشت مداحان (بدون قضاوت درباره صحت و سقم آن) نشان می‌دهد که دشمنان نظام اسلامی تا چه میزان از تاثیر گذاری و نقش آفرینی مجامع دینی و هیأت‌های مذهبی ناراحت و زخم‌خورده هستند که با دامن زدن به شایعات و ادعاهای بی‌اساس درصدد

تخریب و بدنام کردن همه افرادی هستند که به نوعی در ترویج و تبلیغ هیات های مذهبی فعال و تاثیر گذار هستند.

در عین حال این نکته اساسی هم قابل اشاره و تاکید است که به دلیل جایگاه طبقات خاص اجتماعی همچون پزشکان و روحانیون و مداحان و...، چنانچه خطا و اشتباهی از آنان سر بزند، قوه قضاییه باید با سرعت و قاطعیت بیشتری با جرائم آنها برخورد کرده و با تبیین به موقع پرونده و جرائم آنان، ضمن جلوگیری از مانور دشمن در شایعه سازی و دروغ پراکنی، به افکار عمومی این نوید را بدهد که دستگاه عدلیه بدون هیچگونه تبعیض و مسامحه ای در برخورد با متخلفان و قانون شکنان حضور جدی و قاطع دارد.

سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال سرمایه گذاری شرکت های خارجی چیست؟

پرسیمان: بحث حضور شرکت های خارجی در ایران و سرمایه گذاری آنان در بخش های مختلف، از جمله موضوعاتی است که در ماه های اخیر و به دنبال قرارداد با توتال، در فضای مجلس شورای اسلامی، دولت و رسانه ها به صورت جدی مطرح شده است. لطفا توضیح دهید که سیاست کلان نظام اسلامی درباره حضور و سرمایه گذاری شرکت های خارجی در ایران چیست؟

پاسخ: سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال حضور و سرمایه گذاری شرکت های خارجی در کشورمان مبتنی بر اصول ذیل است:

۱- جمهوری اسلامی ایران با اصل سرمایه گذاری خارجی در حوزه های انرژی، خودروسازی، هواپیمایی، حمل و نقل، صنایع دریایی، ترابری و... نه تنها مخالفتی با حضور سرمایه گذاران خارجی ندارد بلکه از آن استقبال می کند.

۲- باید ضوابط و تدابیر مشخصی در قراردادهای برای حالت بازگشت تحریم ها در نظر گرفته شده است تا شرکت های خارجی در صورت تحریم مجدد ایران به راحتی کار را رها نکرده و در مقابل اعمال تحریم ها مقاومت نکنند؟

۳- از سرمایه گذاری کشورهای خارجی در بخش هایی که موجب انتقال تکنولوژی به

کشور می شود استقبال می کند.

۴- از سرمایه گذاری خارجی در بخش هایی که شرکت های داخلی به دلایل کمبود سرمایه و فقدان تکنولوژی حضور ندارند، استقبال می کنیم.

۵- به جز رژیم اشغالگر قدس، همه کشورها می توانند در ایران سرمایه گذاری نمایند.

۶- از ورود شرکت های خارجی مثل «مک دونالد» که نماد و مروج فرهنگ غرب و مصرف گرایی در کشور هستند، ممانعت به عمل می آید. این ممنوعیت به صراحت در بیانات مقام معظم رهبری به آن اشاره شده است.

۷- در قرارداد اخیر با شرکت توتال و شرکت های دیگر خارجی که احتمالاً درصدد سرمایه گذاری در ایران هستند، باید پیوست امنیتی قراردادهای خارجی ضمیمه قراردادها باشد. مقام معظم رهبری در ۱۵ ایرادی که بر قراردادهای نفتی موسوم به IPC گرفته بودند، در بند ۸ به صراحت به این موضوع اشاره داشته اند.

موج جدید انتفاضه قدس، پیام ها و دستاوردها

پرسلمان: در هفته های اخیر شاهد موج جدیدی از درگیری فلسطینیان و ارتش رژیم صهیونیستی در مسجد الاقصی و شهر قدس هستیم. لطفاً درباره علت و بستر درگیری های اخیر و اهمیت آن که برخی تحلیل گران آن را ادامه انتفاضه سوم می دانند توضیح دهید

پاسخ: همان گونه که در خبرها مشاهده کرده اید، روز جمعه ۲۳ تیرماه، سه جوان فلسطینی در اعتراض به تداوم اشغالگری صهیونیست ها در اراضی فلسطینی، به تجمع نظامیان این رژیم در مسجد الاقصی حمله کردند. به دنبال این عملیات دو نظامی صهیونیست کشته شدند و شماری دیگر نیز زخمی شدند. سه جوان فلسطینی نیز به شهادت رسیدند.

حمله شهادت طلبانه این سه جوان فلسطینی پاسخی به تحرکات و فعالیت های جدید صهیونیست ها با هدف تغییر ساختار حقوقی و اداری مسجد الاقصی، تلاش برای یهودی سازی، اجرای تقسیمات زمانی و مکانی و اجازه برگزاری مراسم مذهبی یهودیان در این مسجد بود.

صهیونیست‌ها سال‌ها است که به دنبال اجرای طرح تقسیم زمانی و مکانی مسجد الاقصی و محدود کردن حضور مسلمانان در این مکان مقدس هستند. این اقدام و طرح صهیونیست‌ها پیش از این در مورد حرم شریف ابراهیمی در الخلیل در جنوب کرانه باختری اجرا شده است. مسجد الاقصی در شرایط کنونی با خطرناک‌ترین توطئه مواجه است، چرا که هدف اشغالگران آن است که فلسطینی‌ها را در برابر عمل انجام شده، یعنی تقسیم زمانی و مکانی مسجد الاقصی قرار دهند.

هدف از تقسیم بندی زمانی آن است که اوقات ویژه‌ای برای نیایش یهودیان در نظر گرفته شود که طی آن ورود مسلمانان به مسجد الاقصی ممنوع باشد. این زمان از هفت و نیم صبح تا یازده در نظر گرفته شده است. هدف از تقسیم بندی مکانی نیز آن است که این رژیم بر بخش‌هایی از مسجد الاقصی برای ساخت کنیسه و اختصاص مکانی دائم برای نیایش یهودیان دست پیدا کند. این طرح، اشغال کامل مسجد الاقصی و ساخت معبد هیکل را نهایت هدف خود می‌داند. برخی اسناد نشان می‌دهند صهیونیست‌ها با تونل‌هایی که در زیر مسجد الاقصی حفر کرده اند امنیت این سازه را با تهدیداتی مواجه کرده و ممکن است این مکان مقدس تخریب شود. به باور یهودیان احداث مجدد معبد سلیمان در این مکان یکی از شروط ظهور منجی می‌باشد.

رخ دادن چندین عملیات مسلحانه از سوی فلسطینیان مستقر در کرانه باختری یا مرزهای ۱۹۴۸ طی سال گذشته نشان از آمادگی اجتماعی تسلیح این مناطق است. مقام معظم رهبری در مرداد ۹۳ و در بیانات خویش در ششمین کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین، در خصوص سومین انتفاضه فرمودند: «انتفاضه‌ای که اینک در سرزمین‌های اشغالی برای سومین بار آغاز شده، مظلوم‌تر از دو انتفاضه‌ی گذشته، اما درخشان و پُر امید در حرکت است و به اذن الله خواهید دید که این انتفاضه، مرحله‌ی بسیار مهمی از تاریخ مبارزات را رقم خواهد زد و شکستی دیگر بر رژیم غاصب تحمیل خواهد کرد. این غده‌ی سرطانی، از هنگام آغاز، مرحله‌ای رشد کرده و به بلای کنونی تبدیل شده و درمان آن نیز باید مرحله‌ای باشد، که چند انتفاضه و مقاومت پیگیر و مستمر توانسته است اهداف مرحله‌ای بسیار مهمی را محقق سازد و همچنان توفنده به پیش می‌تازد تا دیگر اهداف خود را، تا زمان

عملیات استشهادی در مسجد الاقصی از لحاظ مکانی و هویت مجریان آن بسیار حائز اهمیت است. حداقل در طول دو دهه گذشته چنین عملیاتی در این سطح در مسجد الاقصی بی سابقه است. مجریان عملیات هم از شهر ام الفحم در سرزمین‌های ۱۹۴۸ و بنا به تسمیه خود اسرائیلی‌ها، عرب‌های اسرائیل هستند. چنین عملیاتی از سوی فلسطینیان ساکن در این منطقه، پیام‌های زیادی دارد که مهم‌ترین آنها ورود عملیاتی جامعه فلسطینی (داخل اسرائیل) به عرصه مبارزاتی است. این دست عملیات‌ها در صورت تکرار، چالش امنیتی بزرگی برای اسرائیل محسوب می‌شود.

ویژگی‌های عملیاتی، شرایط زمانی و تحولات منطقه‌ای، این رخداد بزرگ در بیت المقدس را برجسته تر می‌کند. خصوصاً اینکه بجز تغییر در معادلات قدرت منطقه‌ای و فروپاشی شبکه هژمونی آمریکایی و قدرت یابی محور مقاومت منطقه‌ای و کنار رفتن نقاب نفاق کشورهای عربی هم پیمان با صهیونیستها، پرچم دفاع از قدس و فلسطین اشغالی در دست محور مقاومت منطقه‌ای قرار گرفته و هراس و دل مشغولی صهیونیستها و حامیان آنها را دوچندان کرده است.

اقدام شهادت طلبانه دو جوان فلسطینی بار دیگر در آستانه سالگرد پیروزی مقاومت در سال ۲۰۰۶ و جنگ ۳۳ روزه حزب الله لبنان، نشان داد موج مقاومت در مقابل صهیونیست‌ها نه تنها خاموش نشدنی است، بلکه امروز صهیونیست‌ها که بدنبال بازدارندگی حرکت مقاومت بودند، اکنون توان پیروزی سازی در مقابل مقاومت فلسطینی از غزه تا کرانه باختری را نیز از کف داده‌اند و حمایت دیکتاتورهای عربی هم نمی‌تواند نجات دهنده آنها باشد زیرا سایه شوم این دیکتاتور‌ها سست‌ترین مأمن و پناهگاه برای صهیونیستها است. بنابراین اهمیت این انتفاضه در برخی ویژگی‌های آن و همچنین زمان خروش این پدیده است. خروج مسئله فلسطین و گروه‌های مقاومت از انزوای نسبی، رویش انتفاضه در قلب کرانه باختری و شهر الخلیل، رویش جریان‌های جوان پسا اسلو و هم چنین رسواتر شدن تشکیلات خودگردان را می‌توان از اصلی‌ترین مؤلفه‌هایی دانست که موجب شده تا این انتفاضه اهمیتی تاریخی یافته و تداوم داشته باشد.

پیامدهای همه‌پرسی جدایی کردستان از عراق چیست؟

پرسیمان: در دیداری که رهبر انقلاب با حیدر العبادی داشتند نسبت به تجزیه عراق و جدایی کردستان از آن کشور هشدار دادند. سرلشگر باقری و دریابان ششمخانی و دیگر مسوولان نظام هم ابراز نگرانی کردند. لطفا توضیحاتی درباره امکان برگزاری رفراندومی که قرار است در کردستان عراق برگزار شود و پیامدهای آن توضیح دهید.

پاسخ: مسعود بارزانی رئیس منطقه کردستان عراق و حزب دموکرات کردستان اعلام کرده است که روز سوم مهرماه، همه‌پرسی جدایی کردستان را از حکومت مرکزی عراق برگزار خواهد کرد. در عین حال برخی احزاب تأثیرگذار این منطقه همچون حزب اتحادیه میهنی و جنبش تغییر با برگزاری رفراندوم مخالفت کرده‌اند.

مسعود بارزانی در شرایطی جدیت خود را برای برگزاری همه‌پرسی استقلال اعلام می‌کند که در داخل اقلیم کُردی، شرایط برای برگزاری این همه‌پرسی مساعد نمی‌باشد. اگرچه به‌صورت رسمی یک حکومت به‌مرکزیت اربیل در منطقه کردستان وجود دارد، اما در واقع «دو مرکز قدرت» در اقلیم مشاهده می‌شود که یکی حزب دموکرات است که بر استان‌های دهوک و اربیل مسلط است و دیگری اتحادیه میهنی که بر استان‌های سلیمانیه، کرکوک، حلبچه و منطقه گرمیلان تسلط دارد، این درحالی است که گروه‌های سیاسی دیگر نیز هر کدام هم‌پیمان یکی از دو مرکز اصلی قدرت می‌باشند.

از سوی دیگر، دولت عراق اقلیم کردستان را تهدید کرد در صورت برگزاری همه‌پرسی استقلال به اعمال زور و قدرت نظامی دست می‌زند. تاکنون کشورهای ایران و ترکیه و برخی کشورهای اروپایی با همه‌پرسی جدایی کردستان عراق مخالفت کرده‌اند.

این نخستین باری نیست که مسئولان کرد عراق خواستار برگزاری همه‌پرسی استقلال می‌شوند. در سال ۱۳۹۳ نیز مسئولان ارشد اقلیم خودمختار کردستان عراق تصمیم به برگزاری یک همه‌پرسی استقلال در این منطقه گرفته بودند. پس از گفت‌وگوهایی که بین مقامات کردستان عراق و دولت مرکزی این کشور صورت گرفت، قرار برگزاری آن رفراندوم

لغو شد.

همه‌پرسی سوم مهرماه آینده منطقه کردی عراق به‌خلاف آنچه نوعاً تصور می‌شود، آغازی بر حل یک مسأله تاریخی نیست بلکه آغازی بر یک مشغله امنیتی و سیاسی برای منطقه‌ای است که هنوز از بحران‌های قبلی قامت راست نکرده است، براین اساس می‌توان گفت همه‌پرسی یا به‌قول عراقی‌ها «استفتاء» بار دیگر عراق را با بحرانی سیاسی امنیتی مواجه می‌گرداند.

سیاست کلی آمریکا نسبت به عراق را باید در نظر جو بایدن که بر تجزیه عراق تأکید داشت، شناخت. طرح تجزیه عراق در سال ۲۰۰۶ توسط «جو بایدن» معاون رئیس‌جمهور آمریکا که در آن زمان مسئولیت کمیته روابط خارجی سنای آمریکا را عهده‌دار بود، مطرح شد که بر اساس آن عراق به سه بخش اقلیم کردستان، مناطق سنی‌نشین و شیعه‌نشین تقسیم می‌شد.

در واقع تجزیه کشورهای اسلامی در راستای امنیت رژیم صهیونیستی مطلوب آمریکا است، اما به‌دلیل وجود موانع بسیار زیاد در این مسیر آمریکا معمولاً در حال بازی کردن با این مسأله است تا به‌نوعی دیگر به اهداف خود برسد. موضع کشورهای غربی در برابر استقلال کردستان عراق همواره تابعی از منافع آنها بوده است به‌همین دلیل کارشناسان معتقدند که غرب با این مسأله به‌نوعی در حال بازی کردن است تا از طریق آن بتواند اهداف بیشتری را از طریق کردها محقق کند.

اما چه چیزی سبب شده تا «مسعود بارزانی» و گروه‌های همسو با وی به طرح دیرینه استقلال اقلیم کردستان از دولت مرکزی بغداد در شرایط کنونی بیش از پیش دامن بزنند؟ واقعیت این است که دامن زدن به طرح مسأله استقلال اقلیم کردستان از دولت بغداد درست در زمانی اتفاق می‌افتد که اقلیم کردستان با یک بحران سیاسی داخلی که اخیراً پیچیده نیز شده است، دست‌وپنجه نرم می‌کند. این بحران از آن‌جا آغاز شد که اتحادیه میهنی کردستان به ریاست «جلال طالبانی» و هم‌چنین جنبش «تغییر» خواستار کاهش اختیارات ریاست اقلیم کردستان عراق شدند.

بر همین اساس، به نظر می‌رسد که «مسعود بارزانی» در شرایط کنونی با هدف شانه خالی

کردن از زیر بار مسئولیت رسیدگی به مطالبات احزاب و جریان‌های کُردی عراق، به مسأله جدایی از دولت مرکزی دامن می‌زند، تا بدین ترتیب مطالبات احزاب کُردی مبنی بر لزوم کاهش اختیارات وی شامل مرور زمان و در نهایت به فراموشی سپرده شود. علاوه بر این، وی به بهانه این که استقلال اقلیم کردستان از دولت مرکزی یکی از مطالبات اصلی کُردهای ساکن این اقلیم محسوب می‌شود، تلاش می‌کند با طرح مسأله جدایی، زمینه انتخاب مجدد خود به عنوان ریاست اقلیم را فراهم آورد. او در تلاش است تا این گونه وانمود کند که حامی ملت کردستان بوده و از حقوق آنها عقب‌نشینی نمی‌کند، این در حالی است که برخی کُردهای ساکن اقلیم کردستان از جمله کُردهای همسو با جلال طالبانی به وهیچ وجه خواهان جدایی طلبی نیستند، چرا که این مسأله را گامی در جهت تجزیه عراق ارزیابی می‌کنند.

اما در این میان، آنچه موضع «مسعود بارزانی» در مسأله جدایی از دولت بغداد را تضعیف کرده، توافقنامه میان «اتحادیه میهنی کردستان» و جنبش «تغییر» است. در این توافقنامه مشترک قید شده که دو طرف باید در زمینه اتخاذ مواضع سیاسی با یکدیگر هماهنگ باشند، بر همین اساس موضع بارزانی در خصوص لزوم برگزاری همه‌پرسی در مناطق کُردنشین درباره استقلال اقلیم کردستان به شدت ضعیف شده است، چرا که همان گونه که گفته شد اتحادیه میهنی کردستان با استقلال و جدایی طلبی به شدت مخالف است.

علاوه بر این، طبق آنچه گفته شد مسعود بارزانی در مسیر استقلال اقلیم کردستان از دولت مرکزی بغداد از حمایت‌های مختلف ایالات متحده آمریکا برخوردار است، بر همین اساس به نظر نمی‌رسد که وی بدون هماهنگی با مقامات آمریکایی و دریافت چراغ سبز از سوی آنها اقدام به دامن زدن به مسأله جدایی طلبی از دولت بغداد کرده باشد. بدون تردید بدون حمایت ایالات متحده آمریکا، طرح استقلال اقلیم کردستان محقق نخواهد شد، به ویژه این که این طرح به جز واشنگتن و برخی کشورهای منطقه نظیر عربستان و قطر، از حمایت دیگر کشورها حداقل به صورت جدی برخوردار نیست.

در هر صورت به نظر نمی‌رسد که تلاش و تقلای «مسعود بارزانی» ریاست اقلیم کردستان عراق برای جدایی این اقلیم از دولت مرکزی بغداد به هر دلیل و نیتی که باشد از

خوش خدمتی به آمریکا گرفته تا فرار از پاسخگویی در قبال بحران‌های داخلی به نتیجه دلخواه وی و کُردهای همسو با او منجر شود. در حال حاضر اقشار مختلف مردم عراق به صورت یک پارچه کمر به نبرد با تروریست‌های تکفیری داعش در نقاط مختلف این کشور بسته و تمامی توجه آنها معطوف به شکست تکفیریهاست. جای هیچ شکی نیست که این وحدت مثال‌زدنی، درست همان چیزی است که بارزانی و حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی وی را نگران ساخته و هدف آنها برای تجزیه عراق را به رؤیایی غیرقابل تحقق تبدیل کرده است.

با این وصف، تحرک اخیر اقلیم کردستان بیشتر بعد تبلیغاتی و عملیات روانی داشته و با واقعیت فاصله زیادی دارد. دولت عراق با توجه به این امر و نیز با تکیه بر ابزارهای سیاسی، اقتصادی، حقوقی و نظامی امنیتی می‌تواند مانع تحرکات استقلال طلبانه کردها شده و حتی از برگزاری همه‌پرسی در ۲۵ سپتامبر جلوگیری کند.